

درس اول پایه دوازدهم

الدَّرْسُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» - **الأوَّلُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال»، اسم تفضیل) / صفت مفرد)

﴿... أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ با یکتاپرستی به دین روی آور.

﴿... أَقِمَّ﴾ (فعل امر مخاطب، ثلاثی مزید، باب افعال، متعدی، معلوم / فعل امر و فاعله ضمیر مستتر «أنت» و جملة فعلیة (**وَجْهَ**)

اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه، / مفعول **كَ** (اسم / ضمیر متصل، مفرد مذکر مخاطب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **لِ** (حرف، جر، عامل) **لِلدِّينِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به ال / مجرور به حرف جر) **حَنِيفًا** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / حال مفرد و منصوب) ﴿

توجه: اگر حرف جر «ل» به اسم «ال» داری بچسبید «ا» آن اسم حذف می شود باید آن را معرفه به «ال» در نظر بگیریم

الدِّينُ وَالتَّدِينُ دین و دینداری

﴿الدِّينُ﴾ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال») و (حرف، عطف، غیر عامل) **التَّدِينُ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / معطوف)

توجه داشته باشید نقش کلمه در جمله مشخص می شود یعنی به تنهایی نقش نمی گیرد

نکته: اگر بخواهیم **مصدر های ثلاثی مزید** را جمع ببندیم به آخر آن ها «ات» اضافه می کنیم؛ مثال: **التدینات** ← حواریات // حواریات ← حواریات

التَّدِينُ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. وَالتَّارِيخُ يَقُولُ لَنَا :

دینداری در انسان ذاتی و فطری است. و تاریخ به ما می گوید :

التَّدِينُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مبتدا) **فِطْرِيٌّ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر مبتدا از نوع مفرد)

یاد آوری: خبر مفرد یعنی **یک اسم**

فِي (حرف، جرّ، عامل) **الْإِنْسَانِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **وَ** (حرف، ابتدا، غیر عامل) **التَّارِيخُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مبتدا) **يَقُولُ** (فعل مضارع للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / خبر مبتدا از نوع جمله فعلیة و فاعله ضمیر مستتر «هو») **لِ** (حرف، جر، عامل) **نَا** (اسم / ضمیر متصل، متکلم مع الغیر، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر)

لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَطَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

هیچ نسل و نژادی از مردم زمین نیست (هیچ ملّتی از ملت‌های زمین نیست) مگر اینکه دین و راه و روشی برای عبادت داشته باشد.

لا (حرف، نفی جنس، عامل) **شَعْبًا** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / اسم لای نفی جنس) **مِنَ** (حرف، جر، عامل) **شُعُوبٍ** (اسم، جمع مکسر «تکسیر» مفرد «شعب» و هو مذکر معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **الْأَرْضِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **إِلَّا** (حرف، غیر عامل) و **كَانَ** (فعل ماضی از افعال ناقصه، ثلاثی مجرد، للغائب، ل (حرف، جر، عامل) ه (اسم / ضمیر متصل، مفرد مذکر غائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر - له خبر مقدم «کان» از نوع جار و مجرور) **دین** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / اسم مؤخر «کان») و (حرف، عطف، غیر عامل) **طَرِيقَةً** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / معطوف) **لِ** (حرف، جر، عامل) **عِبَادَةٍ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

نکته: اسم بعد از «لا»ی نفی جنس به هیچ عنوان تنوین نمی‌گیرد باید آن را «نکره» در نظر بگیریم

نکته: در هر جا کلمات «**السماء - الشمس - الارض - الدار - البئر - الحرب - النفس - النار - الريح - الفأس** و..» دیده شوند آن‌ها را مؤنث در نظر بگیرید

نکته: حرف جر «**لـ**» در اصل **کسره** دارد اما اگر به ضمیری غیر از «ی» متصل شود **کسره** آن به **فتحه** تبدیل می‌شود

فَالْآثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي اِكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ، وَالْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَالنَّقُوشِ وَالرُّسُومِ وَالتَّمَاثِيلِ، تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ

پس آثار باستانی‌ای که انسان آنها را کشف کرده، و تمدن‌هایی که آن را از خلال نوشته‌ها (کتیبه‌ها) و کنده‌کاری‌ها (نگاره‌ها) و نقاشی‌ها و تندیس‌ها (پیکره‌ها) شناخته است، بر توجه انسان به دین تاکید می‌کند.

فَ (حرف، ابتدا، غیر عامل) **الْآثَارُ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر»، مفرد الاثر و هو مذکر، معرفه به «ال» / مبتدا) **الْقَدِيمَةُ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **الَّتِي** (اسم، موصول، مفرد، مؤنث، معرفه به موصول / صفت مفرد) **اِكْتَشَفَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید، باب إفتعال، متعدی، معلوم، / فعل ماضی و جمله فعلیه و هیچ نقشی ندارد) **هَا** (اسم، ضمیر متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مفعول) **الْإِنْسَانُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / فاعل برای اکتشاف) و (حرف عطف، غیر عامل) **الْحَضَارَاتُ** (اسم، جمع، مؤنث للسالمة، مفرد الحضارة، معرفه به «ال» / معطوف به الآثار) **الَّتِي** (اسم، موصول، مفرد، مؤنث، معرفه به

موصول / صفت مفرد (عَرَفَ فعل ، ماضی ، للغائب ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / فعل ماضی و جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر « هو » جمله ی عرفها هیچ نقشی ندارد) هَا (اسم ، ضمیر متصل للغائب ، معرفه به ضمیر / مفعول) مِنْ (حرف ، جر ، عامل) خِلَالِ (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) الْكِتَابَاتِ (اسم ، جمع ، مؤنث للسالم ، مفرده الکتابة ، معرفه به «ال» / وَ (حرف ، عطف ، غیر عامل) النَّقُوشِ (اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» و مفرده النقش و هو مذکر ، معرفه به «ال» / معطوف) وَ (حرف ، عطف ، غیر عامل) الرَّسُومِ (اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» و مفرده «الرسم» و هو مذکر ، معرفه به «ال» / معطوف) وَ (حرف ، عطف ، غیر عامل) التَّمَاثِيلِ (اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» و مفرده «التمثال» و هو مذکر ، معرفه به «ال» / معطوف) ، تُؤَكِّدُ (فعل ، مضارع للغائبة ، ثلاثی مزید باب تفعیل ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» و خبر برای الآثار از نوع جمله فعلیه) اِهْتِمَامَ (اسم / مصدر ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مفعول) الْإِنْسَانِ (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف الیه) ب (حرف جر ، عامل) الدِّينِ (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

نکته: اگر اسمی جمع غیر انسان باشد همه چیز آن (صفت ، ضمیر ، اسم موصول ، اسم اشاره ، فعل ، خبر) به شکل مفرد مؤنث می آید

نکته: اسم های موصول بعد از آن ها معمولاً فعل می آید که این فعل هیچ نقشی ندارد با خبر اشتباه نگیرید

نکته: دقت کنید کلمه «الکتابة» یعنی «نوشتن» مصدر ثلاثی مجرد اما «الکتاب» یعنی «باهم نامه نگاری کردن» مصدر ثلاثی مزید در باب مفاعلة است

نکته: اگر اسم موصول بعد از یک اسم معرفه «ال» دار واقع شود نقش صفت مفرد دارد

وَتَدُلُّ عَلَىٰ أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ؛ وَلَٰكِنَّ عِبَادَاتِهِ وَشَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً مِثْلَ تَعَدُّدِ اللَّالِهَةِ وَتَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَتَجَنُّبِ شَرِّهَا.

و دلالت دارد بر اینکه این (دینداری) در وجودش (وجود انسان) ذاتی است؛ ولی عبادت‌ها و آیین‌ها و مراسم خرافی بود؛ مانند تعدد خدایان (چند خدایی) و پیشکش کردن قربانی‌ها برای به دست آوردن خشنودی آنها و دوری از بدی‌شان.

توجه: جمع شعائر ← شعيرة می شود

توجه: کلماتی مانند «تقدیم، تأکید - تعلّم، تعالی، تفاضل، تجنّب، تعدّد» مصدر هستند فعل نمی باشند

توجه: کلماتی مانند «قرايين، بساتين، شياطين، ميادين، تمارين سلاطين» جمع مکسرند نه جمع مذکر سالم

و(حرف عطف، غير عامل) **تَدُلُّ** (فعل مضارع للغائبه، ثلاثي مجرد، لازم، معلوم / جمله فعليه وفاعل آن ضمير مستتر «هي») **عَلَى** (حرف جر، عامل) **أَنَّ** (حرف مشبهه بالفعل، عامل) **هَـ** (اسم / ضمير متصل للغائبه، معرفه به ضمير / اسم **إِنَّ** **فَطْرَى** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر **إِنَّ** از نوع مفرد) **فِي** (حرف جر، عامل) **وَجُودٍ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر **إِلَّا** (اسم / ضمير متصل للغائبه، معرفه به ضمير / مضاف اليه) **وَلَكِنَّ** (حرف، مشبهه بالفعل، عامل) **عِبَادَاتٍ** (اسم، جمع، سالم للمؤنث، معرفه به اضافه / اسم **لَكِنَّ** **هَـ** (اسم / ضمير متصل للغائبه، معرفه به ضمير / مضاف اليه) **وَأَحْرَفَ** (حرف، عطف، غير عامل) **شَعَائِرًا** (اسم، جمع، مکسر «تکسير» مفرده شعيرة وهي مؤنث / معطوف) **لَهَا** (اسم / ضمير متصل للغائبه، معرفه به ضمير / مضاف اليه) **كَانَتْ** (فعل، ماضی، ثلاثي مجرد، للغائبه / از افعال ناقصه واسمه ضمير مستتر «هي») **خُرَافِيَّةً** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / خبر **كَانَتْ** از نوع مفرد - جمله **كَانَتْ خُرَافِيَّةً خَيْرٍ لَكِنَّ** **مِثْلُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / **تَعَدَّدَ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / مضاف اليه) **الْأَلِهَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف اليه) **وَأَحْرَفَ** (حرف، عطف، غير عامل) **تَقْدِيمٍ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / مضاف اليه) **الْقَرَابِينِ** (اسم، جمع مکسر «تکسير»، مفرده القربان وهو مذکر، معرفه به «ال» / مضاف اليه) **لَ** (حرف جر، عامل) **هَا** (اسم، ضمير متصل للغائبه، معرفه به ضمير / مجرور به حرف جر **لَ** (حرف جر، عامل) **كَسَبٍ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر **ضَا** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / مضاف اليه) **هَا** (اسم، ضمير متصل للغائبه، معرفه به ضمير / مضاف اليه) **وَأَحْرَفَ** (حرف عطف، غير عامل) **تَجَنَّبَ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / معطوف) **شَرًّا** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» **هَا** (اسم، ضمير متصل للغائبه، معرفه به ضمير / مضاف اليه)

وَازْدَادَتْ هِيَ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ. وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَتْرِكِ النَّاسَ عَلَى هِيَ الْوَلَاءِ الْحَالَةَ؛ فَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ:

این خرافه‌ها در ادیان [مختلف] مردم در گذر زمان (با گذشت دوره‌ها) افزایش یافت. ولی خدای - پر برکت و بلند باد نام او - مردم را در این حالت رها نکرد؛ پس در کتاب با کرامت خود فرموده است:

نکته: به اسم «ال» دار بعد از اسم اشاره «تابع یا مشار الیه» می‌گویند مثال: هَوْلَاءِ النَّاسِ

توجه: کلماتی مانند «ادیان، اغصان، احزان، سلطان، هجران، دوران و...» اسم مثنی نمی باشند

نکته: در هر جا فعل مضارعی حرکت حرف آخرش کسره باشد حتما مجزوم می باشد مثال: لَمْ يَتْرِكْ

نکته: اگر یک اسم «ال» دار بعد از ضمیر متصلی بیاید آن اسم «ال» دار نقش صفت مفرد دارد کتابه الْكَرِيمِ

یاد آوری: اگر «قد» قبل از فعل ماضی بیاید زمانش را به ماضی نقلی فارسی تبدیل می کند قَدْ قَالَ: گفته است

وَأَزْدَاتٌ (فعل، ماضی للغائبه، ثلاثی مزید باب افعال، لازم، معلوم / فعل ماضی وجمله فعلیه) هَذَا (اسم، اشاره للقریب، مفرد، مؤنث، معرفه به اشاره / فاعل از نوع اسم ظاهر) الْخُرَافَاتُ (اسم، جمع، مؤنث للسالمة، معرفه به «ال» / تابع اسم اشاره) فِي (حرف، جر، عامل) أَدْيَانٍ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر»، ومفردة الدین و هو مذکر / مجرور به حرف جر) النَّاسِ (اسم جمع، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) عَلِيٍّ (حرف، جر، عامل) مَرٌّ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) الْعُصُورِ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر»، ومفردة العَصْر وهو مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) وَلَ كِنٌّ (حرف، مشبیهة بالفعل، عامل) اللّٰهَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به علم / اسم لکن) تَبَارَكَ (فعل ماضی، للغائب، ثلاثی مزید باب تفاعل، لازم، معلوم / حال) وَ (حرف، عطف، غیر عامل) تَعَالَى (فعل ماضی، للغائب، ثلاثی مزید باب تفاعل، لازم، معلوم / معطوف) لَمْ (حرف، جزم، عامل) يَتْرِكْ (فعل مضارع مجزوم، ثلاثی مجرد، للغائب، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعل ان ضمیر مستتر «هو» خبر لکن) النَّاسِ (اسم جمع، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) عَلِيٍّ (حرف، جر، عامل) هَذَا (اسم، اشاره للقریب، مفرد، مؤنث، معرفه به اشاره / مجرور به حرف جر) الْحَالَةَ (اسم مفرد ف مؤنث، معرفه به «ال» / تابع اسم اشاره) فَ (حرف، غیر عامل) قَدْ (حرف، تحقیق، غیر عامل) قَالَ (فعل، ماضی، ثلاثی مجرد، للغائب، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») فِي (حرف، جر، عامل) كِتَابٍ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) هَذَا (اسم / ضمیر متصل للغائب، مفرد، مذکر، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) الْكَرِيمِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد برای «کتاب»)

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ آیا انسان گمان می کند (می پندارد) بیهوده و پوچ رها می شود!؟

نکته: در میان کلمات پرسشی فقط «أ - هل» حرف هستند و نقش نمی گیرند ولی بقیه اسم هستند و نقش پذیر

﴿أحرف، پرسشی، غیر عامل﴾ **يَحْسَبُ** (فعل مضارع للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه) **الْإِنْسَانُ** (اسم، مفرد مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **أَنْ** (حرف، ناصبه، عامل) **يُتْرَكَ** (فعل، مضارع للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، مجهول / جمله فعلیه نائب فاعله ضمیر مستتر «هو») **سُدَى** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / حال)

لذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَالَّذِينَ الْأَحْقَ.

بدین سبب پیامبران را نزد آنها فرستاد تا راه راست و دین حق را روشن و آشکار کنند. (توضیح دهند)

یاد آوری: در زبان عربی انواع «ل» وجود دارد که از دید طراحان کنکور خیلی اهمیت دارد

انواع «ل» ۱- حرف جر ۲- حرف ناصبه ۳- حرف جازمه / امرغایب ۴- تأکید

نکته: اگر حرفی یا قیدی در آغاز جمله بیاید برای تعیین اسمیه و فعلیه بودنش به مابعدش نگاه می کنیم؛ مثلاً در عبارت «لذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمْ...» جمله فعلیه است چون بعد از جار و مجرور فعل آمده است

واژه «الحق» هم می تواند صفت مفرد و هم می تواند مضاف الیه واقع شود مثال: الَّذِينَ الْأَحْقَ. دِينَ الْأَحَقَّ.

لِ (حرف، جر، عامل) **ذَلِكَ** (اسم، اشاره للبعید، مفرد، مذکر، معرفه به اسم اشاره / مجرور به حرف جر) **أَرْسَلَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید باب إفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **إِلَى** (حرف، جر، عامل) **هِمْ** (اسم / ضمیر متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر) **الْأَنْبِيَاءَ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «النبی» و هو مذکر / مفعول **لِ** (حرف، ناصبه، عامل) **يُبَيِّنُوا** (فعل، مضارع للغائبین، ثلاثی مزید باب تفعیل، متعدی، معلوم / فعل مضارع منصوب «واو» فاعله از نوع ضمیر بارز متصل) **الصِّرَاطَ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) **الْمُسْتَقِيمَ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) **الْحَقَّ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

وَقَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَصِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

و قرآن کریم درباره روش و کردار پیامبران درود بر آنها باد و کشمکششان با اقوام کافرشان سخن با ما گفته است.

نکته: اگر حرکت حرف قبل از ضمیر «هم» کسره یا حرف «ی» آمده باشد باید حرکت ضمه به کسره تبدیل شود مثال:

عَلَيْهِمْ أَقْوَامِهِمْ

نکته: اگر ضمیر «نا» به فعل ماضی بچسبید و حرف قبل از «نا» فتحه داشته باشد «نا» حتما نقش مفعول می گیرد اما اگر به فعل ماضی بچسبید و حرف قبل از «نا» ساکن باشد «نا» نقش فاعل دارد و هرگاه به فعل مضارع و یا امر متصل شود حتما نقش مفعول دارد

حَدَّثْنَا بِمَا سَخِنَ // حَدَّثْنَا سَخِنَ كَقَتِيمٍ // حَدَّثْنَا بِمَا سَخِنَ بَغْوٍ // يُحَدِّثُنَا بِمَا سَخِنَ مِیْ كَوْبِدٍ

و(حرف، ابتدا، غیر عامل) قَدْ (حرف، تحقیق، غیر عامل) حَدَّثَ (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید باب تفعیل، متعدی، معلوم/فعل ماضی) نَا (اسم/ضمیر متصل، للمتکلم مع الغیر، معرفه به ضمیر /مفعول) الْقُرْآنُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) الْکَرِیْمُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) عَنْ (حرف، جر، عامل) سَبْرَةَ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) الْأَنْبِیَاءِ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «النبی» و هو مذکر / مضاف الیه) عَلَیْ (حرف جر، عامل) هِمَّ (اسم/ضمیر، متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر - عَلَیْهِمْ خبر مقدم) السَّلَامُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مبتدای مؤخر) وَ (حرف، عطف، غیر عامل) صِرَاعِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / معطوف) هِمَّ (اسم/ضمیر، متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) مَعَ (اسم، مفرد، معرفه به اضافه / قید) أَقْوَامٍ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر»، معرفه به اضافه / مضاف الیه) هِمَّ (اسم/ضمیر، متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) الْکَافِرِینَ (اسم، جمع، مذکر، سالم، معرفه به «ال» / صفت مفرد برای «اقوام»)

وَلْتَذْکُرْ مَثَلًا إِبْرَاهِیْمَ الْخَلِیْلَ عَلَیْهِ السَّلَامُ الَّذِی حَاوَلَ أَنْ یُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

و باید یاد کنیم مثالی را از ابراهیم خلیل درود بر او باد که تلاش کرد مردمش را از عبادت بت‌ها نجات دهد.

به کلمات مشابه دقت کنید «عِبَادَةُ» جمع آن «عِبَادَات» - «عَبَدَ» جمع آن «عِبَاد» - «عَابَدَ» جمع آن «عِبَاد» می شود

در هر جا این عبارت «عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» را دیدید خبر مقدم و مبتدای مؤخر هستند

و(حرف، غیر عامل) لُ (حرف، جزم، عامل) تَذْکُرُ (فعل مضارع مجزوم، للمتکلم مع الغیر، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «نحن») مَثَلًا (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مفعول) إِبْرَاهِیْمَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به عَلَم / بدل از مَثَلًا) الْخَلِیْلَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) عَلَیْ (حرف جر، عامل) هِمَّ (اسم/ضمیر، متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر - عَلَیْهِ خبر مقدم) السَّلَامُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مبتدای مؤخر) الَّذِی (اسم، موصول، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) حَاوَلَ (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید با مفاعله، لازم، معلوم / جمله

فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» (حرف، ناصبه، عامل) **يُنْقَذَ** (فعل، مضارع منصوب، للغائب، ثلاثی مزید در باب افعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله میر مستتر «هو») **قَوْمَ** (اسم جمع، مذکر، معرفه به اضافه / مفعول) **هُ** (اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **مِنْ** (حرف، جر، عامل) **عِبَادَةَ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **الْأَصْنَامِ**. (اسم، جمع، تکسیر «مکسر»، مفرد «الصنم» و هو مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

فَفِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحِيدًا، فَحَمَلَ فَاسًا، وَكَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

پس در یکی از عیدها، وقتی قومش از شهر خود بیرون رفتند، ابراهیم درود بر او باد تنها مانده بود، پس تبری را برداشت، و همه بت‌ها بجز بت بزرگ را در معبد (پرستشگاه) شکست،

توجه: بحث حال و استثناء را به ترتیب در درس ۲ و ۳ خواهیم خواند

نکته: اگر دو فعل ماضی در یک عبارت آمده باشند **فعل ماضی دوم** را به شکل **ماضی بعید یا ماضی ساده** ترجمه می کنیم

نکته: اگر «لَمَّا» **قبل از فعل ماضی** بیاید **اسم محسوب** می شود و اگر **قبل از مضارع مجزوم** بیاید **حرف** می باشد

فَ (حرف، غیر عامل) **فِي** (حرف، جر، عامل) **أَحَدِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **الْأَعْيَادِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر»، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **لَمَّا** (اسم / قید) **خَرَجَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه) **قَوْمُهُ** (اسم جمع، مذکر، معرفه به اضافه / فاعل از نوع اسم ظاهر) **هُ** (اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **مِنْ** (حرف، جر، عامل) **مَدِينَتِهِمْ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **هِمْ** (اسم / ضمیر متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **بَقِيَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه) **إِبْرَاهِيمُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به علم / فاعل از نوع اسم ظاهر) **عَلَى** (حرف جر، عامل) **هُ** (اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر - عَلَيهِ خَيْرٌ مَقْدَم) **السَّلَامُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مبتدای مؤخر) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **كَسَرَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید مستتر «هو») **فَاسًا** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مفعول)، **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **كَسَرَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **جَمِيعَ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) **الْأَصْنَامِ** (اسم، جمع، تکسیر «مکسر»، مفرد «الصنم» و هو مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **فِي** (حرف، جر، عامل) **الْمَعْبَدِ** (اسم،

مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **إِلَّا** (حرف، استثناء، غیر عامل) **الصَّنَمِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مستثنی) **الْكَبِيرِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ وَتَرَكَ الْمَعْبَدَ. سپس تیر را بر دوش او (بت بزرگ) آویزان کرد و پرستشگاه را ترک کرد.

نکته: اعضای زوج بیرونی بدن مؤنث هستند « **كَتِفٍ - يَدٍ - رِجْلٍ - أذنٍ - عینٍ - كَفٍّ - سِنٍ** و... »

ثُمَّ (حرف، عطف، غیر عامل) **عَلَّقَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **الْفَأْسَ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مفعول)، **عَلَى** (حرف، جر، عامل) **كَتِفِهِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **ه** (اسم / ضمیر، متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **تَرَكَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **الْمَعْبَدَ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به «ال» / مفعول)

وَلَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً، وَظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ هُوَ الْفَاعِلُ، فَأَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ وَسَأَلُوهُ:

و وقتی مردم برگشتند، بت‌های خود را شکسته دیدند، و گمان کردند که ابراهیم همو این کار را کرده است (کننده کار)، پس او را برای دادگاهی کردن (محاکمه) احضار کردند (آوردند) و از او پرسیدند:

نکته: دو کلمه «**النَّاسُ - القوم**» همه چیز آن‌ها به شکل جمع مذکر غایب می‌آید، باید توجه داشت **فعل در آغاز** جمله همیشه مفرد است

نکته: اگر یک اسم منصوب بدون «ال» بعد از ضمیر متصل بیاید آن اسم منصوب نقش **حال** دارد مثال: **أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً**

نکته: اگر ضمیر منفصل «**هو - هما - هم - هی - هن - أنت** و...» **در میان دو اسم** قرار بگیرد هیچ نقشی نمی‌پذیرند و اسم مستقیماً بعد از آن‌ها نقش **خبر مفرد** می‌گیرد مثال: **أَنَّ إِبْرَاهِيمَ هُوَ الْفَاعِلُ**

نکته: باب **مُفَاعَلَةٌ** «هرچند اولش «م» می‌باشد اما اسم مفعول گروه دوم در نظر گرفته نمی‌شود چون **مصدر** است

وَ (حرف، ابتدا، غیر عامل) **لَمَّا** (اسم / قید) **رَجَعَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه) **النَّاسُ** (اسم جمع، مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **شَاهَدُوا** (فعل، ماضی، للغائبین، ثلاثی مزید باب مفاعلة، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر «او» بارز متصل) **أَصْنَامَ** (اسم، جمع، تکسیر «مکسر»، مفرد «الصنم» و هو مذکر، معرفه به «ال» /

مفعول) **هُم** (اسم / ضمیر، متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **مُكْسِرَةٌ**، (اسم، مفرد، مؤنث، اسم مفعول گروه دوم، نکره / حال مفرد) **وَ** (حرف، غیر عامل) **ظَنُّوا** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر «واو» بارز متصل) **أَنَّ** (حرف مشبّهة بالفعل، عامل) **إِبْرَاهِيمَ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به **عَلَّمَ** / اسم **أَنَّ**) **هُوَ** (اسم / ضمیر منفصل، للغائب، معرفه به ضمیر / هیچ نقشی ندارد) **الْفَاعِلُ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل، معرفه به «ال» / خبر **أَنَّ** از نوع مفرد) **فَ** (حرف، غیر عامل) **أَحْضَرُو** (فعل، ماضی، للغائبین، ثلاثی مزید باب إفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر «واو» بارز متصل) **هُ** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مفعول) **لِ** (حرف، جر، عامل) **لِلْمُحَاكَمَةِ** (اسم / مصدر، مفرد مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **وَ** (حرف، غیر عامل) **سَأَلُو** (فعل، ماضی، للغائبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر «واو» بارز متصل) **هُ** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مفعول)

﴿... أ أنتَ فَعَلْتَ هَذَا بِأَلَيْتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾ ای ابراهیم، آیا تو این کار را با خدایان ما انجام دادی؟

توجه: اسم های اشاره غیر مکان (هَذَا - هَذِهِ - ذَلِكَ - تِلْكَ - هَؤُلَاءِ - أُولَئِكَ - هَذَانِ - هَاتَانِ) می توانند نقش های گوناگون بگیرند مانند: مبتدا، فاعل، نایب فاعل، مفعول و..

﴿... أ (حرف، پرسشی، غیر عامل) **أنتَ** (اسم / ضمیر منفصل للمخاطب، معرفه به ضمیر / مبتدا) **فَعَلْتَ** (فعل، ماضی، للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر «ت» بارز متصل) **هَذَا** (اسم، اشاره للقرب، مفرد، مذکر، معرفه به اشاره / مفعول) **بِ** (حرف، جر عامل) **آلهة** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر»، و مفرد اله وهو مذکر، معرفه به اضافه) **نَا** (اسم / ضمیر متصل للمتكلم مع الغير، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **يَا** (حرف، ندا، غیر عامل) **إِبْرَاهِيمُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به **عَلَّمَ** / منادی)﴾

فَأَجَابَهُمْ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟! اسألوا الصنمَ الكبيرَ. پس به آنها پاسخ داد: چرا از من می پرسید؟! از بت بزرگ پرسید.

نکته: اگر ضمیر های «ه - هما - هم - ها - هن - ك - كما - كم - كن - ي» به هر **فعلی** متصل شوند حتما نقش **مفعول** دارند مثال: **أَجَابَهُمْ تَسْأَلُونَنِي**

فَ (حرف، غیر عامل) **أَجَابَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید، باب إفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **هُم** (اسم / ضمیر، متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / مفعول) : **لِ** (حرف، جر، عامل) **مَ** (اسم، پرسشی، نکره / مجرور به حرف جر) **تَسْأَلُونَنَا** (فعل، مضارع، للمخاطبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» ن) (حرف، وقایه، غیر عامل) **ي** (اسم / ضمیر متصل للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر / مفعول)؟! **اسألوا** (فعل، امر

للمخاطبين، ثلاثي مجرد، متعدي، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» **الصنم** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) **الکبیر**، (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

« بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْاسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا».

مردم شروع به پیچ پیچ کردند: قطعاً بت سخن نمی گوید، ابراهیم فقط قصد دارد بت های ما را مسخره کند.

نکته: هرگاه بعد از فعل های « **بدأ - جعل - أخذ** » فعل مضارع آمده باشد خود این سه فعل معنی «شروع» می دهند و نیاز به فاعل ندارند بلکه به جای فاعل می گوئیم «اسم این افعال» **و خود فعل مضارع نقش خبر می گیرد**

نکته: چنان چه به حرف های مشبّهة بالفعلی « حرف «ما» متصل شود به آن ما «ما» ی **کافه** (یعنی بازدارنده) می گویند یعنی نمی گذارد حروف مشبّهة بالفعل عمل کند مثال: **إِنَّمَا النَّاسُ لَأَم**

نکته: بعد از «ما» ی **کافه** اگر **اسم** بیاید حتماً نقش **مبتدا** می گیرد مثال: **إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ** اما اگر **فعل** بیاید آن را **جمله فعلیه** در نظر می گیریم مثال: **إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْاسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا**

مصدر را می توان به شکل **مضارع التزامی** ترجمه کرد **مانند: الاستهزاء** در داخل جمله قبل

بدأ (فعل، ماضی، من الافعال المقاربة، للغائب، ثلاثي مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و اسم «القوم» **القوم** (اسم جمع، مذکر، معرفه به «ال» / اسم بدأ از نوع اسم ظاهر) **يتهامسون** (فعل مضارع، للغائبين، ثلاثي مزيد در باب تفاعل، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» و خبر «بدأ» **إن** (حرف، مشبّهة بالفعل، عامل) **الصنم** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / اسم **إن**) **لا** (حرف، منفي، غير عامل) **يتكلم** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثي مزيد در باب تفاعل، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» و خبر «إن» از نوع جمله فعلیه) **إن** (حرف، مشبّهة بالفعل، عامل) **ما** (حرف، کافه، غير عامل) **يقصد** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثي مجرد، متعدي، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «ابراهيم» اسم ظاهر) **إبراهيم** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به علم / فاعل از نوع اسم ظاهر) **الاستهزاء** (اسم / مصدر باب استفعال، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول **ب** (حرف، جر، عامل) **أصنام** (اسم، جمع، تكمسير «مكسر»، مفرد «الصنم» وهو مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **نا** (اسم / ضمير متصل للمتکلم مع الغير، معرفه به ضمير / مضاف اليه)

وَهُنَا «قَالُوا حَرَّقُوهُ وَأَنْصُرُوا آلِهَتَكُمْ» و در اینجا گفتند: او را بسوزانید و خدایاتان را یاری کنید.

نکته: ممکن است **مفعولِ فعل** «قال - يقول - قل» به شکل جمله باشد مانند: قالوا **حرقوه** پس حرقوه مفعول است

و(حرف، ابتدا، غیر عامل) **هنا** (اسم، اشاره مکان، للقرب، معرفه به اسم اشاره/ قید) **قالوا** (فعل، ماضی للغائبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») **حرقوه** (فعل، امر للمخاطبین، ثلاثی مزید در باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مفعول) و(حرف، عطف، غیر عامل) **انصروا** (فعل، امر للمخاطبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») **آلهة** (اسم جمع، مکسر «تکسیر»، ومفرد «الاله» وهو مذکر، معرفه به اضافه / مفعول) **کم** (اسم / ضمیر متصل، للمخاطبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) ﴿

فَقَذَفُوهُ فِي النَّارِ، فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.

پس او را در آتش انداختند، و خداوند او را از آن (آتش) نجات داد.

ف (حرف، ابتدا، غیر عامل) **قذفوه** (فعل، امر للمخاطبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مفعول) **في** (حرف، جر، عامل) **النار** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)، **ف** (حرف، عطف، غیر عامل) **أنقذ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب إفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الله» از نوع اسم ظاهر) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مفعول) **اللّه** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به علم / فاعل از نوع اسم ظاهر) **من** (حرف، جر، عامل) **ها** (اسم / ضمیر متصل، للغائبة، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر).

المُعْجَم (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه دوم، معرفه به «ال» / ---)

أَحْضَرَ: آورد، حاضر کرد

الْأَصْنَامُ: بت‌ها «مفرد: **الصنم**»

أَقِمَّ وَجْهَكَ: روی بیاور (ماضی: **أقام** / مضارع: **يقيم**)

بَدَّؤُوا يَتَّهَمُونَ: شروع به پیچ پیچ کردند (ماضی: **تَهَمَسُوا** / مضارع: **يَتَّهَمَسُونَ**)

الَّتَجَنَّبُ: دوری کردن (ماضی: **تَجَنَّبَ** / مضارع: **يَتَجَنَّبُ**)

حَرَّقَ: سوزاند

الْحَنِيفِ: یکتاپرست

السُّدَى: بيهوده و پوچ

السَّيْرَة: روش و كردار، سرگذشت

الشَّعَائِر: مراسم

الصُّرَاع: كشمكش = النِّزَاع ≠ السُّلْم

عَلَّقَ: آویخت

الْفَأْس: تبر «جمع: الفؤوس»

الْقُرَابِين: قربانی ها «مفرد: القربان»

الْكُتِف، الْكُتِف: شانه «جمع: الأكتاف»

كَسَرَ: شكست

الْقُوش: كنده کاری ها، نگاره ها «مفرد: النقش»

حَوْلَ النَّصِّ: عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأُ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

پیرامون متن : درست و اشتباه را بر اساس متن درس مشخص کن

حَوْلَ (اسم ، مفرد ، معرفه به اضافه / قید) **النَّصِّ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **عَيْنِ** (فعل ، امر للمخاطب ، ثلاثی مزید در باب تفعیل ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **الصَّحِيحِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مفعول) **وَ** (حرف ، عطف ، غیر عامل) **الْخَطَأُ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / معطوف) **حَسَبَ** (اسم ، مفرد ، معرفه به اضافه / قید) **نَصِّ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / مضاف الیه) **الدَّرْسِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

نکته: هر فعل امری که حرف آخر آن **کسره** باشد حتما در اصل ساکن بوده است مانند: **عَيْنِ**

۱. كَانَ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقُرَابِينِ لِلْإِلَهَةِ كَسَبَ رِضَاهَا وَ تَجَنَّبَ شَرَّهَا. ✓

هدف از پیشکش کردن قربانی ها برای خدایان به دست آوردن خشنودی و دوری کردن از شر آن ها بود

كَانَ (فعل ، ماضی ، للغائب ، ثلاثی مجرد ، از افعال ناقصه / افعال ناقصه واسمه «الهدف») **الْهَدَفُ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / اسم کان از نوع اسم ظاهر) **مِنْ** (حرف ، جر ، عامل) **تَقْدِيمِ** (اسم / مصدر ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / **الْقُرَابِينِ**)

اسم، جمع مکسر «تکسیر» و مفرده «القربان» و هو مذكر، معرفه به «ال» / مضاف الیه (ل حرف، جر، عامل) **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** (اسم، جمع مکسر «تکسیر» و مفرده «الاله» و هو مذكر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **كَسَبَ** (اسم، مفرد، مذكر، معرفه به «اضافه» / خبر «کان» از نوع مفرد) **رِضًا** (اسم، مفرد، مذكر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **ها** (اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به «ضمیر» / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **تَجَنَّبَ** (اسم، مفرد، مذكر، معرفه به «اضافه» / معطوف به خبر «کان» **شَرًّا**) (اسم، مفرد، مذكر، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) **ها**. (اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به «ضمیر» / مضاف الیه)

نکته: افعال ناقصه «لازم - متعدی - معلوم - مجهول» برای آن ها مطرح نیست

۲. عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ. ❌

ابراهیم (ع) تبر را بر روی شانه کوچکترین بت ها آویزان کرد

عَلَّقَ (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **إِبْرَاهِيمُ** (اسم، مفرد، مذكر، معرفه به علم / فاعل از نوع اسم ظاهر) **عَلَى** (حرف جر، عامل) **ه** (اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر - علیه خبر مقدم) **السَّلَامُ** (اسم، مفرد، مذكر، معرفه به «ال» / مبتدای مؤخر) **الْفَأْسَ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مفعول)، **عَلَى** (حرف، جر، عامل) **كَتِفِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **أَصْغَرِ** (اسم، مفرد، مذكر، اسم تفضیل، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) **الْأَصْنَامِ** (اسم، جمع، تکسیر «مکسر»، مفرده «الصنم» و هو مذكر، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

نکته: اسم های علمی که بر وزن «اسم فاعل - اسم مفعول - فَعِيل - فَعِيل» هستند باید حرف آخرشان تنوین بگیرند در غیر این صورت اسم علم تنوین نمی گیرد مثلاً: حامدٌ - محموداً - حمیدٌ // ابراهیمُ

۳. لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. ❌

برخی ملت ها دین یا روشی برای پرستش نداشتند

لَمْ (حرف، جزم، عامل) **يَكُنْ** (فعل، مضارع مجزوم، ثلاثی مجرد / از افعال ناقصه) **لِ** (حرف، جر، عامل) **بَعْضِ** (اسم، مفرد، مذكر، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **الشُّعُوبِ** (اسم، جمع مکسر «تکسیر» مفرده «شعب» و هو مذكر معرفه به «ال» / مضاف الیه) **دِينٌ** (اسم، مفرد، مذكر، نکره / اسم مؤخر «کان» **أَوْ** (حرف، عطف، غیر عامل) **طَرِيقَةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / معطوف) **لِ** (حرف، جر، عامل) **لِلْعِبَادَةِ**. (اسم، مفرد، مذكر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

نکته: اگر بعد **کان** و مشتقاتش مستقیماً «**ل - عند - لدی**» بیاید معنی **داشت** می دهد

اگر بعد از **یکون** «**ل**» بیاید معنی **دارد** می دهد. مثلاً **يَكُونُ** للطلاب دورٌ مهمٌ دانش آموزان نقش مهمی دارند

نکته: **لَمْ** + **فعل مضارع مجزوم معادل «ما + فعل ماضی»** پس **لَمْ يَكُنْ** = **ما كان**

نکته: در هر جا بعد از کلمات زیر اسمی بیاید آن اسم حتما نقش **مضاف الیه** می گیرد

بعض - کل - غیر - سوی - فوق - تحت - أمام - خلف - وراء - يوم - حول - نحو - حسب - مثل - جنب - مع - أي - سوی و...

۴. **الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ.** ✓

آثار قدیمی توجه انسان را به دین مورد تأکید قرار می دهد

الآثارُ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر»، مفرده الاثر وهو مذکر، معرفه به «ال» / مبتدا) **الْقَدِيمَةُ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **تُؤَكِّدُ** (فعل، مضارع للغائبه، ثلاثی مزید باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» و خبر برای الآثار از نوع جمله فعلیه) **اهتمام** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) **الإنسان** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **ب** (حرف جر، عامل) **الدين** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

نکته: سه باب **تفعیل - مفاعلة - افعال** در **مضارع** با تغییر حرکت حرف ماقبل آخر به **مجهول** تبدیل می شوند مواظب باشید **تُؤَكِّدُ** معلوم // **تُؤَكِّدُ** مجهول

۵. **إِنَّ التَّائِبِينَ فَطَرْتُ فِي الْإِنْسَانِ.** ✓

قطعا دینداری در انسان یک (امر) ذاتی است

إِنَّ (حرف، مشبیه بالفعل، عامل) **التَّائِبِينَ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / اسم **إِنَّ**) **فَطَرْتُ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر **إِنَّ** از نوع مفرد) **فِي** (حرف، جرّ، عامل) **الإنسان** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

باد آوری: خبر مفرد یعنی **یک اسم**

۶. **لَا يَتْرُكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدًى.** ✓

الله انسان را بیهوده رها نمی کند

لا (حرف منفی، غیر عامل) **يَتْرُكُ** (فعل، مضارع مرفوع، ثلاثی مجرد، للغائب، متعدی، معلوم / جمله فعلیه جمله فعلیه فاعله «الله» اسم ظاهر) **الله** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به علم / فاعل اسم ظاهر) **الإنسان** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) **سُدًى** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / حال)

نکته: فعل **«يترك»** اگر اولش ضمه باشد حتما **مجهول** می باشد حتی اگر بقیه حرف ها حرکت نداشته باشند

اعلموا (فعل امر للمخاطبين ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو»)

معانی الحروف المشبهة بالفعل ولا النافية للجنس

معانی (اسم ، جمع مکسر «تکسیر» ، مفرد «المعنی» و هو مذکر ، معرفه به «اضافه» / خبر برای مبتدایی که حذف شده یا خودش مبتدا) **الحروف** (اسم ، جمع مکسر «تکسیر» مفرد الحرف و هو مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف الیه **المشبهة** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، اسم مفعول گروه دوم ، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **ب** (حرف ، جر ، عامل) **الفعل** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **ولا** (حرف عطف ، غیر عامل) **النافية** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / معطوف ل) (حرف ، جر ، عامل) **لجنس** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴾ **بی گمان** خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.

﴿ **إِنَّ** (حرف ، مشبهة بالفعل ، عامل) **اللَّهِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به علم / اسم **إِنَّ**) **لا** (حرف منفی ، غیر عامل) **يُضِيعُ** (فعل مضارع ، للغائب ، ثلاثی مزید در باب افعال ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **أَجْرًا** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مفعول **المُحْسِنِينَ** (اسم ، جمع ، مذکر سالم ، اسم فاعل گروه دوم ، معرفه به «ال» / مضاف الیه) ﴿

﴿ ۲ ﴾ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿ گفت می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

﴿ **قَالَ** (فعل ، ماضی للغائب ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **أَعْلَمُ** (فعل مضارع ، للمتكلم وحده ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انا») **أَنَّ** (حرف ، مشبهة بالفعل ، عامل) **اللَّهِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به علم / اسم **أَنَّ**) **عَلَىٰ** (حرف ، جر ، عامل) **كُلِّ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / مجرور به حرف جر) **شَيْءٍ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / مضاف الیه) **قَدِيرٌ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / خبر **أَنَّ** از نوع مفرد) ﴿

نکته: زمانی جار و مجرور نقش خبر می گیرد که **معنای جمله** با آن جار و مجرور **کامل شود** .

لماذا ما سافرت بالطائرة؟ چرا با هواپیما سفر نکردی؟ لَانِ بِطَاقَةَ الطَّائِرَةِ غَالِيَةً. زیرا بلیت هواپیما گران است

ل (حرف جر ، عامل) **ماذا** (اسم پرسشی / مجرور به حرف جر) **ما** (حرف ، منفی ، غیر عامل) **سافرت** (فعل ، ماضی للمخاطب ، ثلاثی مزید در باب مفاعلة ، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «ت») **ب** (حرف جر ، عامل) **الطَّائِرَةِ** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، اسم فاعل گروه اول ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

ل (حرف جر ، عامل) **انَّ** (حرف ، مشبهة بالفعل ، عامل) **بطاقة** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «اضافه» / اسم **انَّ**) **الطَّائِرَةِ** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، اسم فاعل گروه اول ، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **غاليَةً** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، اسم فاعل گروه اول ، نکره / خبر **انَّ**)

نکته : در هر جا **حرف جری** را دیدید حتما مابعدش **هرچه باشد** نقش جار و مجرور می گیرد

۳ ﴿كَانَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ﴾ آنان مانند یاقوت و مرجان اند.

﴿كَانَ﴾ (حرف، مشبّهة بالفعل، عامل) هُنَّ (اسم / ضمیر متصل للغائبات، معرفه به ضمیر / اسم كَانُ) الْيَاقُوتُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / خبر كَانُ) وَ (حرف، عطف، غیر عامل) الْمَرْجَانُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / معطوف ﴿

نکته: كَانُ از نظر معنی همانند حرف جر «كَ» می باشد

﴿كَانَ إِِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرِكُ﴾ گویی خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست آورده نمی شود.

نکته: جمله بعد از اسم نکره صفت جمله تام دارد که آن صفت جمله می تواند فعل مجهول باشد یا فعل معلوم

﴿كَانَ﴾ (حرف، مشبّهة بالفعل، عامل) إِِرْضَاءَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / اسم كَانُ) جَمِيعِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) النَّاسِ (اسم جمع، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) غَايَةً (اسم، مفرد، مؤنث، نکره) لَا (حرف، منفی، غیر عامل) تُدْرِكُ (فعل مضارع للغایبة، ثلاثی مجرد، متعدی، مجهول / جمله فعلیه و نایب فاعله ضمیر مستتر «هی» و صفت جمله ﴿

نکته: «لَمْ» تأکید باید قبلش حرف مشبّهة بالفعل «إِنَّ» باشد و غیر عامل می باشد با حرف جر اشتباه نگیرید

۴ ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ ولی

بی گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند.

﴿... إِنَّ﴾ (حرف، مشبّهة بالفعل، عامل) اللَّهُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به علم / اسم إِنَّ) ل (حرف، تأکید، غیر عامل) ذُو (اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر إِنَّ) فَضْلٍ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مضاف الیه) عَلَی (حرف جر، عامل) النَّاسِ (اسم جمع، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) وَ لَٰكِنَّ (حرف، مشبّهة بالفعل، عامل) أَكْثَرَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / اسم لَٰكِنَّ) النَّاسِ (اسم جمع، مذکر، اسم تفضیل، معرفه به «ال» / مضاف الیه) لَا (حرف، منفی، غیر عامل) يَشْكُرُونَ (فعل مضارع للغائبین، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» و خبر لَٰكِنَّ) ﴿

۵ ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ کافر می گوید: ای کاش من خاک بودم!

نکته ترجمه ای: اگر خیر از نوع مفرد باشد و تنوین داشته باشد نیاز نیست تنوینش را ترجمه کرد مانند تُرَابًا

﴿وَيَقُولُ﴾ (فعل مضارع للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الکافر» اسم ظاهر) الْكَافِرُ (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) يَا (حرف، ندا، غیر عامل) لَيْتَ (حرف، مشبّهة بالفعل، عامل، ن (حرف، وقایه، غیر عامل) ي (اسم / ضمیر متصل للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر / اسم «لیت») كُنْتُ (فعل، ماضی، للمتكلم

وحده، ثلاثی مجرد از افعال ناقصه / افعال ناقصه واسمه ضمیر بارز متصل «ت» (تُرَاباً) اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر افعال ناقصه از نوع مفرد) ﴿

﴿ ۶ ﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿

بی گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید

فعل «جَعَلَ» می تواند دو مفعول بگیرد یا یک مفعول بستگی به جمله دارد

﴿ إِن (حرف، مشبّهة بالفعل، عامل) نا اسم / ضمیر متصل للمتکلم مع الغیر، معرفه به ضمیر / اسم (إِنَّ) جَعَلَ (فعل، ماضی، للمتکلم مع الغیر، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «نا» و خبر (إِنَّ) نا) اسم / ضمیر متصل للمتکلم مع الغیر، معرفه به ضمیر / فاعل از نوع ضمیر بارز متصل) ه اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مفعول اول (قُرْآنًا) اسم، مفرد، مذکر، نکره / مفعول دوم (عَرَبِيًّا) اسم، مفرد، مذکر، نکره / صفت مفرد (لَعَلَّ) حرف، مشبّهة بالفعل، عامل (كُم) اسم / ضمیر متصل للمخاطبین، معرفه به ضمیر / اسم لعلَّ (تَعْقِلُونَ) فعل مضارع للمخاطبین، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» و خبر لعلَّ) ﴿

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱) تَرَجِمْ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْكَرِيمَتَيْنِ. خودت را بیازما این دو آیه بزرگوار را ترجمه کن

نکته: اگر بعد از اسم اشاره غیر مکان اسم «ال» داری باشد خود اسم اشاره نقش در ابتدای جمله نقش مبتدا و کلمه «ال» دار
بعدهش تابع نام دارد

اخْتَبِرْ (فعل، امر للمخاطب، ثلاثی مزید در باب افتعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت» نَفْسَ (اسم، مفرد مؤنث، معرفه به اضافه / مفعول) كَ (اسم / ضمیر متصل للمخاطب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) تَرَجِمْ (فعل، امر للمخاطب، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت» هَاتَيْنِ (اسم اشاره، مثنی، مؤنث، معرفه به اسم اشاره / مفعول) الْآيَتَيْنِ (اسم مثنی، مؤنث، معرفه به «ال» / تابع اسم اشاره) الْكَرِيمَتَيْنِ (اسم، مثنی، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

۱. ﴿ فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ وَ لَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾ پس این، روز ستاخیز است ولی شما نمی دانستید

نکته: اگر بعد از اسم اشاره غیر مکان اسم «ال» داری نباید خود اسم اشاره نقش مبتدا و کلمه بدون «ال» بعدهش نقش خبر دارد

﴿ ف (حرف، ابتدا، غیر عامل) هذا (اسم اشاره، مفرد، مذکر، معرفه به اسم اشاره / مبتدا) يَوْمٌ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / خبر مبتدا از نوع مفرد) الْبَعْثِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) وَ لَكِنَّ (حرف مشبّهة بالفعل، عامل) كُمْ (اسم / ضمیر متصل للمخاطبین، معرفه به ضمیر / اسم لکن) كُنْتُمْ (فعل، ماضی، للمخاطبین، ثلاثی مجرد، از افعال ناقصه / از

افعال ناقصه واسمه ضمیر بارز متصل «تم» لا حرف، منفی، غیر عامل) **تَعْلَمُونَ** (فعل مضارع للمخاطبین، ثلاثی مجرد، متعدی معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» و خبر لکن ﴿

۲. ﴿ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوصٌ ﴾

بی گمان الله کسانی را که در راهش در یک صف مبارزه می کنند دوست دارد گویا آن ها ساختمانی استوار هستند

﴿ **إِنَّ** (حرف، مشبهة بالفعل، عامل) **اللَّهِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به علم / اسم **إِنَّ**) **يُحِبُّ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب إفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» و خبر **إِنَّ** از نوع فعلیه) **الَّذِينَ** (اسم موصول، جمع مذکر، معرفه به موصول / مفعول) **يُقَاتِلُونَ** (فعل، مضارع، للغائبین، ثلاثی مزید در باب مفاعلة، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») **فِي** (حرف، جر، عامل) سبیل (اسم، مفرد، مذکر / مؤنث، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **ه** (اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **صَفًّا** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / حال) **كَأَنَّ** (حرف، مشبهة بالفعل، عامل) **هُمْ** (اسم / ضمیر متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / اسمکأنَّ) **بَنِيَانٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر کأنَّ از نوع مفرد) **مَرْصُوصٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / صفت مفرد) ﴿

أَأَنْتَ مِنَ بَجُنُودٍ؟ لَا، أَنَا مِنْ بَيْرِجَنْدٍ آیا تو اهل بجنورد هستی نه من اهل بیرجندم

أ (حرف، پرسشی، غیر عامل) **أَنْتَ** (ضمیر منفصل للمخاطب، معرفه به ضمیر / مبتدا) **مِنْ** (حرف جر، عامل) **بَجُنُودٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به علم / مجرور به حرف جر و خبر از نوع جار و مجرور)؟ **لَا** (حرف، جواب، غیر عامل)، **أَنَا** (ضمیر منفصل للمتکلم وحده، معرفه به ضمیر / مبتدا) **مِنْ** (حرف جر، عامل) **بَيْرِجَنْدٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به علم / مجرور به حرف جر و خبر از نوع جار و مجرور)

﴿ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ﴾ جز آنچه به ما آموخته ای، هیچ دانشی نداریم. (برای ما نیست)

﴿ **لَا** (حرف، نفی جنس، عامل) **عِلْمٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / اسم «لا») **لَ** (حرف جر، عامل) **نَا** (اسم / ضمیر متصل للمتکلم مع الغیر، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر خبر «لا») از نوع جار و مجرور) **إِلَّا** (حرف، حصر، غیر عامل) **مَا** (اسم، موصول، معرفه به موصول / مفعول اول مقدم) **عَلَّمْتَنَا** (فعل، ماضی للمخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «ت») **أَنَا** (اسم / ضمیر متصل للمتکلم مع الغیر، معرفه به ضمیر / مفعول اول) ﴿

لا كَنْزَ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ. هیچ گنجی بی نیازکننده تر از قناعت نیست

نکته: اسم «لا» به هیچ عنوان تنوین نمی گیرد باید آن را **نکره** در نظر بگیریم

نکته: اسم **تفضیل** به هیچ عنوان تنوین نمی گیرد اگر شرایط معرفه نداشته باشد باید آن را **نکره** در نظر بگیریم

لا (حرف ، نفی جنس ، عامل) **كَنْزًا** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / اسم «لا») **أَغْنَى** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم تفضیل ، نکره / خبر «لا» از نوع مفرد) **مِنَ** (حرف ، جر ، عامل) **الْقَنَاعَةِ**. (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. خودت را بیازما عبارتهای زیر را ترجمه کن

إِخْتَبِرْ (فعل ، امر للمخاطب، ثلاثی مزید در باب افتعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **نَفْسًا** (اسم ، مفرد مؤنث ، معرفه به اضافه / مفعول) **ك** (اسم / ضمیر متصل للمخاطب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **تَرْجِمِ** (فعل ، امر للمخاطب ، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **العبارات** (اسم ، جمع مؤنث، سالم و مفرد «العبارة» معرفه به «ال» / مفعول) **التَّالِيَةَ** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

۱. لا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ. هیچ خیری در گفتاری نیست مگر همراه عمل باشد

نکته: اگر «خیر» بعد از «لا» نفی جنس بیاید دیگر **اسم تفضیل** نمی باشد

لا (حرف ، نفی جنس ، عامل) **خَيْرًا** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / اسم «لا») **فِي** (حرف ، جر ، عامل) **قَوْلٍ** (اسم ، مفرد مذکر ، نکره / مجرور به حرف جر و خبر «لا» از نوع جار و مجرور) **إِلَّا** (حرف ، حصر ، غیر عامل) **مَعَ** (اسم ، / قید) **الْفِعْلِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

۲. لا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ. هیچ مبارزه ای مانند مبارزه کردن با نفس نیست

لا (حرف ، نفی جنس ، عامل) **جِهَادًا** (اسم / مصدر ثلاثی مزید در باب مفاعلة، مفرد ، مذکر ، نکره / اسم «لا») **ك** (حرف ، جر ، عامل) **جِهَادِ** (اسم / مصدر ثلاثی زید در باب مفاعلة، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه) **النَّفْسِ** (اسم ، مفرد مؤنث ، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

۳. لا لِبَاسٍ أَجْمَلٌ مِنَ الْعَافِيَةِ. هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست

لا (حرف، نفی جنس، عامل) لِبَاسٍ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / اسم «لا») أَجْمَلٌ (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، نکره / خبر «لا» از نوع مفرد) مِنَ (حرف، جر، عامل) الْعَافِيَةِ (اسم، مفرد مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

۴. لا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ. هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مانند ادب نیست

لا (حرف، نفی جنس، عامل) فَقْرَ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / اسم «لا») كَ (حرف، جر، عامل) الْجَهْلِ (اسم، مفرد مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر و خبر «لا» از نوع جار و مجرور) وَلَا (حرف، نفی جنس، عامل) مِيرَاثَ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / اسم «لا») كَ (حرف، جر، عامل) الْأَدَبِ (اسم، مفرد مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر و خبر «لا» از نوع جار و مجرور)

۵. لا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكَذِبِ. هیچ بدی از دروغ گفتن بدتر نیست

لا (حرف، نفی جنس، عامل) سَوْءَ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / اسم «لا») أَسْوَأَ (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، نکره / خبر «لا» از نوع مفرد) مِنَ (حرف، جر، عامل) الْكَذِبِ (اسم، مفرد مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ اِمْلَأِ الْفَرَاغَ فِي مَا يَلِي ثُمَّ عَيْنِ نَوْعَ «لا» فِيهِ.

خودت را بیازما، جای خالی در چیزی که در زیر می آید پر کن سپس نوع «لا» را در آن مشخص کن

إِخْتَبِرْ (فعل، امر للمخاطب، ثلاثی مزید در باب افتعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») نَفْسَكَ (اسم، مفرد مؤنث، معرفه به اضافه / مفعول) كَ (اسم / ضمیر متصل للمخاطب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) اِمْلَأِ (فعل، امر للمخاطب، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») الْفَرَاغَ (اسم، مفرد مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) فِي (حرف، جر، عامل) مَا (اسم، موصول، معرفه به موصول / مجرور به حرف جر) يَلِي (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») ثُمَّ (حرف، عطف، غیر عامل) عَيْنِ (فعل، امر للمخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») نَوْعَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / مفعول) «لا» (در اینجا به جای «الكلمة» آمده، اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه) فِي (حرف، جر، عامل) هِ (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به «ضمیر» / مجرور به حرف جر)

۱. ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...﴾

و کسانی را که غیر خدا را فرا می خوانند **دشنام ندهید** زیرا که به خدا دشنام می دهند.

اگر در عبارتی **فعل امر یا نهی** آمده باشد و بعد از آن ها فعل مضارع آمده باشد که مستقیماً «ف» قبل از فعل مضارع آمده باشد آن **فعل مضارع منصوب** باید باشد

وَلَا (حرف، نهی، عامل) تَسْبُوا (فعل، مضارع مجزوم، للمخاطبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») الَّذِينَ (اسم، موصول، جمع مذکر، معرفه به «موصول» / مفعول) يَدْعُونَ (فعل مضارع للغائبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») مِنْ (حرف، جر، عامل) دُونَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / مجرور بع حرف جر) اللهُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به علم / مضاف الیه) ف (حرف، عطف غیر عامل) يَسْبُوا (فعل، مضارع منصوب، للغائبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الله» اسم ظاهر) اللهُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به علم / مفعول)

۲. ﴿وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...﴾

نباید گفتارشان تو را اندوهگین کند زیرا ارجمندی، همه از آن خداست.

﴿وَلَا﴾ (حرف، نهی، عامل) يَحْزُنْ (فعل، مضارع مجزوم، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «قول» از نوع اسم ظاهر) كَ (اسم / ضمیر متصل، للمخاطب، معرفه به ضمیر / مفعول) قَوْلُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / فاعل از نوع اسم ظاهر) هُمْ (اسم / ضمیر متصل، للغائبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) إِنَّ (حرف، مشبیهة بالفعل، عامل) الْعِزَّةَ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / اسم) إِنَّ (حرف جر، عامل) لَهُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به علم / مجرور به حرف جر) جَمِيعًا (اسم، مفرد «در معنی جمع» مذکر، نکره / حال) ... ﴿

۳. ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند برابر هستند؟

﴿هَل﴾ (حرف، پرسشی، غیر عامل) يَسْتَوِي (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب إفتعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الذین» اسم ظاهر) الَّذِينَ (اسم، موصول، جمع، مذکر، معرفه به اسم «موصول» / فاعل از نوع اسم ظاهر) يَعْلَمُونَ (فعل مضارع مرفوع، للغائبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») وَ (حرف، عطف، غیر عامل) الَّذِينَ (اسم، موصول، جمع، مذکر، معرفه به اسم «موصول» / معطوف) لَا (حرف منفی، غیر عامل) يَعْلَمُونَ (فعل، مضارع، مرفوع، للغائبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») ﴿

۴. ﴿... رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ پروردگارا آنچه توانش را نداریم بر ما **تحمیل مکن**

نکته: جمله هایی که در آن ها **منادا** وجود دارد آن ها را **فعلیه** در نظر بگیرید چون منادا خودش یک جمله کامل است

﴿... رَبَّ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / منادا) نا(اسم / ضمیر متصل، للمتكلم مع الغير، معرفه به ضمير / مضاف اليه) و لا (حرف، نهی، عامل) **تَحْمَلُ** (فعل، مضارع مجزوم، للمخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») نا (اسم / ضمیر متصل للمتكلم مع الغير، معرفه به ضمير / مفعول) ما (اسم، موصول، معرفه به موصول / مفعول دوم) لا (حرف، نفی جنس، عامل) **طَاقَةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / اسم «لا») ل (حرف، جر، عامل) نا(اسم / ضمیر متصل، للمتكلم مع الغير، معرفه به ضمير / مجرور به حرف جر و «لنا» خبر «لا» از نوع جار و مجرور) ب (حرف، جر، عامل) ه (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به «ضمير» / مجرور به حرف جر)﴾

۵. لا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ.

خدا رحم نمی کند به کسی که به مردم **رحم نمی کند**.

نکته: اگر «مَنْ» در وسط جمله بیاید نقش های گوناگون از جمله «خبر- فاعل - مفعول و..» می گیرد بستگی به جمله دارد

لا (حرف منفی، غیر عامل) **يَرْحَمُ** (فعل، مضارع، مرفوع، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الله» از نوع اسم ظاهر) **اللَّهُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به علم / فاعل از نوع اسم ظاهر) **مَنْ** (اسم، موصول، مفرد، للغائب، معرفه به «موصول» / مفعول) لا (حرف منفی، غیر عامل) **يَرْحَمُ** (فعل، مضارع، مرفوع، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **النَّاسَ** (اسم جمع، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) **التَّمَارِينِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر»، ومفردة «التمرین» وهو مذکر، معرفه به «ال» / ..

أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ کدام کلمه از کلمات واژه نامه درس با توضیحات زیر تناسب دارد

هرگاه بخواهیم **مصدرهای ثلاثی مزید** را **جمع** ببندیم باید به آخرشان **«ات»** اضافه کنیم هرچند مفردشان مذکر است **التَّوْضِيحَاتِ**

أَيُّ (اسم، پرسشی، نکره / مبتدا) **كَلِمَةٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مضاف اليه) **مِنْ** (حرف، جر، عامل) **كَلِمَاتِ** (اسم، جمع، مؤنث سالم، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **مُعْجَمِ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه دوم، معرفه به اضافه / مضاف اليه) **الدَّرْسِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف اليه) **تُنَاسِبُ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب مفاعله، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی») **التَّوْضِيحَاتِ** (اسم، جمع مؤنث، سالم ومفردة «التوضیح» معرفه به «ال» / مفعول) **التَّالِيَةَ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

۱. النَّاسُ أَلَّةٌ ذَاتُ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ سِنَّةٌ عَرِيضَةٌ مِنَ الْحَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا.

تیر ابزاری دارای دسته ای از چوب و دندانه ای پهن از آهن که به وسیله آن بریده می شود

بین اسم نکره و صفت جمله جار و مجرور و قید می تواند فاصله بیندازد و فعل صفت جمله می تواند معلوم یا مجهول باشد مانند

يُقَطَّعُ و يُعْبَدُ در مورد ۱ و ۲ که مجهول هستند و يَقَعُ در مورد ۳ که معلوم می باشد

الْفَأْسُ (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / مبتدا) **آلَةٌ** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، نکره / خبر مبتدا) **ذاتُ** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، نکره / صفت مفرد) **يَدٍ** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، نکره / مضاف الیه) **مِنَ** (حرف ، جر ، عامل) **الْخَشَبِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **وَ** (حرف ، عطف ، غیر عامل) **سِنٌّ** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، نکره / معطوف) **عَرِيضَةً** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، نکره / صفت مفرد) **مِنَ** (حرف ، جر ، عامل) **الْحَدِيدِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **يُقَطَّعُ** (فعل ، مضارع للغائب ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، مجهول / جمله فعلیه و نائب فاعله ضمیر مستتر «هو» و صفت جمله) **بِ** (حرف ، جر ، عامل) **ها**. (اسم / ضمیر متصل للغائبة ، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر)

۲. **الصَّنَمُ** تِمثالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.

بت مجسمه ای از سنگ یا چوب یا آهن است که به جای الله پرستش می شود

الصَّنَمُ (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مبتدا) **تِمثالٌ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / خبر مبتدا از نوع مفرد) **مِنَ** (حرف ، جر ، عامل) **حَجَرٍ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **أَوْ** (حرف ، عطف ، غیر عامل) **خَشَبٍ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / معطوف) **أَوْ** (حرف ، عطف ، غیر عامل) **حَدِيدٍ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / معطوف) **يُعْبَدُ** (فعل ، مضارع للغائب ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، مجهول / جمله فعلیه و نائب فاعله ضمیر مستتر «هو» و صفت جمله) **مِنَ** (حرف ، جر ، عامل) **دُونِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **اللَّهِ**. (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به عَلم / مضاف الیه)

۳. **الْكَنَفِ** عَضُوٌّ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ فَوْقَ الْجِدْعِ.

شانه عضوی از اعضاء بدن است که در بالای تنه قرار می گیرد

الْكَنَفِ (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / مبتدا) **عَضُوٌّ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / خبر مبتدا از نوع مفرد) **مِنَ** (حرف ، جر ، عامل) **أَعْضَاءِ** (اسم ، جمع مکسر «تکسیر» و مفرده العضو و هو مذکر ، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **الْجِسْمِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **يَقَعُ** (فعل ، مضارع للغائب ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» و صفت جمله) **فَوْقَ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «اضافه» / قید) **الْجِدْعِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

۴. **الْحَنِيفِ** التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ.

یکتا پرست کسی است که باطل را ترک می کند و به دین حق روی می آورد

نکته: چنان چه در اول اسم فاعل یا اسم مفعول «ال» آمده باشد آن «ال» می تواند معنی کسی که یا چیزی که بدهد التَّارِكُ

الحنیف (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مبتدا) **التَّارِكُ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه اول ، معرفه به «ال» / خبر مبتدا از نوع مفرد) **ل** (حرف ، جر ، عامل) **لباطل** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه اول ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **و** (حرف عطف ، غیر عامل) **الْمُتَمَائِلُ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه دوم ، معرفه به «ال» / معطوف) **إِلَى** (حرف ، جر ، عامل) **الدِّينِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **الْحَقِّ** . (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

۵. **بَدَؤُوا يَتَهَامِسُونَ: إِنَّهُمْ بَدَؤُوا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ.**

شروع به پیچ پیچ کردند: بی گمان آن ها با سخنی (سخنانی) پنهان شروع به سخن گفتن نمودند

بَدَؤُوا (فعل ، ماضی ، للغائبین ، ثلاثی مجرد ، از افعال مقاربه / جمله فعلیه واسمه ضمیر بارز متصل «واو» **يتهامسون**) (فعل ، مضارع للغائبین ، ثلاثی مزید در باب تفاعل ، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» و خبر برای بدأوا) **إِنَّ** (حرف مشبیه بالفعل ، عامل) **هُمْ** (اسم / ضمیر متصل ، للغائبین ، معرفه به ضمیر / اسم) **بَدَؤُوا** (فعل ، ماضی ، للغائبین ، ثلاثی مجرد ، از افعال مقاربه / جمله فعلیه واسمه ضمیر بارز متصل «واو» و خبر برای «إِنَّ») **يَتَكَلَّمُونَ** (فعل ، مضارع للغائبین ، ثلاثی مزید در باب تفاعل ، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» و خبر برای بدأوا) **بِ** (حرف ، جر ، عامل) **كَلَامٍ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / مجرور به حرف جر) **خَفِيِّ** . (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / صفت مفرد)

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْحَرْفَ الْمَشْبَهَ بِالْفِعْلِ وَلَا النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ.

عبارتهای زیر را ترجمه کن سپس حرف مشبیه بالفعل و «لا»ی نفی جنس را مشخص کن

تَرْجِمِ (فعل ، امر للمخاطب ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **الْعِبَارَاتِ** (اسم ، جمع مؤنث ، سالم و مفرده «العبارة» معرفه به «ال» / مفعول) **التَّالِيَةَ** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **ثُمَّ** (حرف ، عطف ، غیر عامل) **عَيِّنِ** (فعل ، امر ، مخاطب ، ثلاثی مزید در باب تفعیل ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **الْحَرْفَ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مفعول) ، **الْمَشْبَهَةَ** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، اسم مفعول گروه دوم ، معرفه به «ال» / صفت مفرد) ، **بِ** (حرف ، جر ، عامل) **الْفِعْلِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) ، **و** (حرف ، عطف ، غیر عامل) **لَا** (به جای واژه «الكلمة» آمده ، اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / معطوف) **النَّافِيَةَ** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، اسم فاعل گروه اول معرفه به «ال» / صفت مفرد) **لِ** (حرف ، جر ، عامل) **لِلْجِنْسِ** . (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

﴿ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴾

گفته شد وارد بهشت شو گفت ای کاش قوم من بدانند که پروردگارم مرا آمرزیده و مرا از گرامی داشته شدگان قار داده است

نکته: در هر جا فعل های «قِيلَ - ذِيقَ - صِيدَ - دِيرَ» دیده شوند حتماً ماضی مجهول هستند فقط حفظ کنید

﴿ قِيلَ ﴾ فعل ، ماضی ، للغائب ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، مجهول / جمله فعلیه و نائب فاعله ضمیر مستتر «هو» (ادْخُلْ) فعل ، امر للمخاطب ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت» (الْجَنَّةُ) (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / مفعول) قَالَ ﴾ فعل ، ماضی ، للغائب ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» (یا) حرف ندا ، غیر عامل (لَيْتَ) حرف ، مشبهة بالفعل ، عامل (قَوْمٌ) اسم جمع ، مذکر ، معرفه به اضافه / اسم لیت (ی) اسم / ضمیر متصل للمتکلم وحده ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه (يَعْلَمُونَ) فعل ، مضارع ، للغائبین ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» (ب) حرف جر ، عامل (ما) اسم ، موصول ، معرفه به موصول / مجرور به حرف جر (غَفَرَ) فعل ، ماضی ، للغائب ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «رب» اسم ظاهر (ل) حرف جر ، عامل (ی) اسم / ضمیر متصل للمتکلم وحده ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه (رَبٌّ) اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / فاعل از نوع اسم ظاهر (ی) اسم / ضمیر متصل للمتکلم وحده ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه (وَ) حرف عطف ، غیر عامل (جَعَلَ) فعل ، ماضی ، للغائب ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» (نَا) حرف ، وقایه ، غیر عامل (ی) اسم / ضمیر متصل للمتکلم وحده ، معرفه به ضمیر / مفعول (مَنْ) حرف جر ، عامل (الْمُكْرَمِينَ) اسم ، جمع ، مذکر ، سالم ، اسم فاعل گروه دوم ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر ﴿

﴿ ۲ ... لَا تَحْزَنَ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ... ﴾

گفت اندوهگین مباش زیرا خدا با ماست

﴿ ... لَا) حرف ، نهی ، عامل (تَحْزَنَ) فعل مضارع ، للمخاطب ، ثلاثی مجرد ، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت» (إِنَّ) حرف ، مشبهة بالفعل ، عامل (اللَّهُ) اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به علم / اسم (إِنَّ) مع (اسم) ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / قید (نا) اسم / ضمیر متصل للمتکلم مع الغیر ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه ﴿

فعل متعدی:

حَزَنَ (اندوهگین کرد) يَحْزُنُ حَزْنًا ﴿ لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴾

سخنشان تو را نباید غمگین کند یا «غمگین نسازد»؛ زیرا ارجمندی همه از آن خداست.

فعل لازم: حَزَنَ (اندوهگین شد) يَحْزُنُ حَزْنًا ﴿ لَا تَحْزَنَ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ﴾ اندوهگین نباش که خدا با ماست.

﴿ ۳ ... لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ... ﴾

هیچ معبودی به جز الله نیست // فقط الله معبود است

اگر بعد از «لا» ی نفی جنس «إِلَّا» آمده باشد **خبر** «لا» می تواند حذف شود مانند : ﴿ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ﴾

﴿ ... لَا) حرف ، نفی جنس ، عامل (إِلَهٌ) اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / اسم «لا» (إِلَّا) حرف ، حصر ، غیر عامل (اللَّهُ) اسم ، مفرد ،

مذکر ، معرفه به علم / بدل ... ﴿

۴. لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ . هیچ دینی برای کسی که هیچ عهدی ندارد نیست // دین فقط برای کسی است که عهد و پیمان دارد

لا (حرف ، نفی جنس، عامل) **دین** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / اسم «لا») **ل** (حرف ، جر ، عامل) **مَن** (اسم ، موصول ، معرفه به موصول / مجرور به حرف جر) **لا** (حرف ، نفی جنس، عامل) **عَهْدًا** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / اسم «لا») **ل** (حرف ، جر ، عامل) **هـ**. (اسم / ضمیر متصل ، للغائب ، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر)

۵. **إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ ضَيْفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ قِطْعًا** از سنت است که انسان همراه مهمانش تا در خانه بیرون برود **إِنَّ** (حرف ، مشبیهة بالفعل، عامل) **مِنَ** (حرف ، جر ، عامل) **السُّنَّةِ** (اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر ، خبر مقدم **إِنَّ**) **أَنْ** (حرف ، ناصبه، عامل) **يَخْرُجُ** (فعل مضارع، للغائب، مجرد ثلاثی، لازم، معلوم / جمله فعلیه و **أَنْ يَخْرُجُ** (اسم مؤخر **إِنَّ** از بحث ما خارج است) **الرَّجُلُ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **مَعَ** (اسم ، معرفه به اضافه / قید) **ضَيْفٍ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / مضاف الیه) **هـ** (اسم / ضمیر متصل ، للغائب ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **إِلَى** (حرف ، جر ، عامل) **بَابِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **الدَّارِ** (اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

اقْرَأِ الشُّعْرَ الْمَنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيٍّ (ع) ثُمَّ عَيَّنْ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

شعر نسبت داده شده به امام علی (ع) را بخوان سپس ترجمه کلماتی که در زیرشان خطی است مشخص کن

اقْرَأِ (فعل ، امر للمخاطب ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **الشُّعْرَ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / مفعول) **الْمَنْسُوبَ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم مفعول گروه اول، معرفه به اضافه / صفت مفرد) **إِلَى** (حرف ، جر ، عامل) **الْإِمَامِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **عَلِيٍّ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به علم / بدل) **ثُمَّ** (حرف ، عطف ، غیر عامل) **عَيَّنْ** (فعل ، امر للمخاطب ، ثلاثی مزید در باب تفعیل ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **تَرْجَمَةَ** (اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به اضافه / مفعول) **الْكَلِمَاتِ** (اسم ، جمع ، مؤنث سالم، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **الَّتِي** (اسم ، موصول، مفرد، مؤنث، معرفه به موصول / صفت مفرد) **تَحْتِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / قید) **هَا** (اسم / ضمیر متصل للغائبة ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه - تحتها خبر مقدم) **خَطٌّ**. (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / مبتدای مؤخر)

أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لَأُمَّ وَ لِأَبٍ

ای که نا بخردانه افتخار کننده به **دودمان** هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدرند.

نکته: اگر بعد از «**أَيُّهَا - أَيُّهَا**» **واسم اشاره** غیر مکان اسم «ال» داری بیاید که بر وزن اسم فاعل یا اسم مفعول باشد آن اسم «ال» دار نقش **صفت مفرد** دارد

أَيُّ (اسم ، / منادی نکره مقصوده) **هَا** (حرف ، تنبیه ، غیر عامل) **الْفَاخِرُ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **جَهْلًا** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / حال) **بِ** (حرف ، جر ، عامل) **النَّسَبِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه

به «ال» / مجرور به حرف جر) **إِنَّ** (حرف، مشبّهة بالفعل، عامل) **مَا** (حرف، کافه، غیر عامل) **النَّاسُ** (اسم جمع، مذکر، معرفه به «ال» / مبتدا) **لِ** (حرف، جر، عامل) **أُمِّ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مجرور به حرف جر) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **لِ** (حرف، جر، عامل) **أَبِ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف

هَلْ تَرَاهُمْ خَلَقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ

آیا آنان را می بینی (می پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده اند؟

هَلْ (حرف، پرسشی، غیر عامل) **تَرَى** (فعل، مضارع، للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت» **هَمْ** (اسم / ضمیر متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / مفعول) **خَلَقُوا** (فعل، ماضی، ثلاثی مجرد، متعدی، مجهول / جمله فعلیه و نائب فاعله ضمیر بارز متصل «واو») **مِنْ** (حرف، جر، عامل) **فِضَّةٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مجرور به حرف جر) **أَمْ** (حرف، عطف، غیر عامل) **حَدِيدٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف) **أَمْ** (حرف، عطف، غیر عامل) **نُحَاسٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره معطوف) **أَمْ** (حرف، عطف، غیر عامل) **ذَهَبٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف

بَلْ تَرَاهُمْ خَلَقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَىٰ لِحْمٍ وَعَظْمٍ وَعَصَبٍ

بلکه آنان را می بینی (می پنداری) از تکه گلی آفریده شده اند. آطا به جز گوشت و استخوان و پی اند؟

بَلْ (حرف، عطف، غیر عامل) **تَرَا** (فعل، مضارع، للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت» **هَمْ** (اسم / ضمیر متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / مفعول) **خَلَقُوا** (فعل، ماضی، ثلاثی مجرد، متعدی، مجهول / جمله فعلیه و نائب فاعله ضمیر بارز متصل «واو») **مِنْ** (حرف، جر، عامل) **طِينَةٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مجرور به حرف جر) **هَلْ** (حرف، پرسشی، غیر عامل) **سَوَىٰ** (اسم، استثناء) **لِحْمٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **عَظْمٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **عَصَبٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف)

إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ وَحَيَاءٍ وَعَفَافٍ وَأَدَبٍ افتخار تنها به خردی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است.

إِنَّ (حرف، مشبّهة بالفعل، عامل) **مَا** (حرف، کافه، غیر عامل) **الْفَخْرُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مبتدا) **لِ** (حرف، جر، عامل) **عَقَلٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مجرور به حرف جر) **ثَابِتٍ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **حَيَاءٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **عَفَافٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **أَدَبٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف

ب. اسْتَخْرَجَ مِنَ الْآيَاتِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَالْفِعْلَ الْمَجْهُولَ وَالْجَارَ وَالْمَجْرورَ وَالصِّفَةَ وَالْمَوْصوفَ.

از (این) ابیات اسم فاعل و فعل مجهول و جار و مجرور و صفت و موصوف را استخراج کن

اِسْتَخْرَجَ (فعل ، امر ، للمخاطب ، ثلاثی مزید باب استفعال، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه فاعله ضمیر مستتر «أنت») **مِنْ** (حرف ، جر ، عامل) **الْأبياتِ** (اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» ومفرد «البيت» وهو مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **اسم** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / مفعول) **الفاعلِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **وَ** (حرف ، عطف، غیر عامل) **الفعلِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / معطوف) **المجهولِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم مفعول گروه اول، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **وَ** (حرف ، عطف، غیر عامل) **الجارِّ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / معطوف) **وَ** (حرف ، عطف، غیر عامل) **المجرورِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم مفعول گروه اول، معرفه به «ال» / معطوف) **وَ** (حرف ، عطف، غیر عامل) **الصفة** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / معطوف) **وَ** (حرف ، عطف، غیر عامل) **الموصوفِ** . (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم مفعول گروه اول، معرفه به «ال» / معطوف)

نکته: **بیت** دو جمع دارد اگر به معنی **بیت شعر** باشد جمعش می شود **ابیات** و اگر به معنی **خانه** باشد جمعش می شود **بُیوت**

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. حدیث های نبوی را ترجمه کن سپس چیزی که از تو خواسته شده مشخص کن

تَرْجِمِ (فعل ، امر ، للمخاطب ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **الْأَحَادِيثَ** (اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» ومفرد «الحدیث» وهو مذکر ، معرفه به «ال» / مفعول) **النَّبَوِيَّةَ** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **ثُمَّ** (حرف عطف ، غیر عامل) **عَيِّنِ** (فعل ، امر ، للمخاطب ، ثلاثی مزید در باب تفعیل ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **الْمَطْلُوبَ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم مفعول گروه اول ، معرفه به «ال» / مفعول) **مِنْ** (حرف ، جر ، عامل) **كَ** (اسم / ضمیر متصل ، للمخاطب ، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر)

۱. **كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا بَرَكَةَ فِيهِ**. هر خوراکی که نام الله بر آن یاد نشود هیچ برکتی در آن نیست

هر گاه بعد از «كل» اسم بدون «ال» بیاید «كل» معنی «هر» می دهد

برای مذکر ومؤنث بودن **كُلٌّ** به اسم بعدش نگاه کنید مثلاً در «كل نفس» كل مؤنث چون نفس مؤنثه اما در «كل طعام» كل مذکر

كُلٌّ (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره ، / مبتدا) **طَعَامٍ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره ، / مضاف الیه) **لَا** (حرف ، منفی ، غیر عامل) **يُذَكَّرُ** (فعل ، مضارع ، للغائب، مجرد ثلاثی، متعدی ، مجهول / جمله فعلیه ونائب فاعله «اسم» از نوع اسم ظاهر، وخبر مبتدا از نوع جمله فعلیه) **اسم** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / نائب فاعل از نوع اسم ظاهر) **اللَّهِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به علم / مضاف الیه) **عَلَى** (حرف ، جر ، عامل) **ه** (اسم / ضمیر متصل ، للغائب ، معرفه به ضمیر) **لَا** (حرف ، نفی جنس ، عامل) **بَرَكَةٌ** (اسم ، مفرد ، مؤنث، نکره / اسم «لا») **فِي** (حرف ، جر ، عامل) **ه**. (اسم / ضمیر متصل ، للغائب ، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر)

۲. لَا تَغْضَبْ فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ. خشمگین مشو زیرا خشم مایه تباهی است

نکته: کلمات «مفسدة - مصلحة - مرحمة - منفعة - مکرمة» اصلا اسم مکان نمی باشند

لا (حرف، نهی، عامل) تَغْضَبْ (فعل، مضارع مجزوم للمخاطب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») فَ (حرف، غیر عامل) إِنَّ (حرف، مشبهة بالفعل، عامل) الْغَضَبَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / اسم إِنَّ) مَفْسَدَةٌ (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / خبر إِنَّ از نوع مفرد)

۳. لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ. هیچ فقری سخت تر از نادانی و هیچ عبادتی مانند اندیشیدن نیست

لا (حرف، نفی جنس، عامل) فَقْرَ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / اسم «لا») أَشَدُّ (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، نکره / خبر «لا» از نوع مفرد) مِنَ الْجَهْلِ (حرف، جر، عامل) الْجَهْلَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) وَ (حرف، غیر عامل) لَا (حرف، نفی جنس، عامل) عِبَادَةَ (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / اسم «لا») مِثْلَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / خبر «لا» از نوع مفرد) التَّفَكُّرِ (اسم / مصدر مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

۴. لَا تَطْعُمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ (از آن چه (خودتان) نمی خورید به نیازمندان مخورانید

لا (حرف، نهی، عامل) تَطْعُمُوا (فعل، مضارع، للمخاطبین، ثلاثی مزید در باب افعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») الْمَسَاكِينَ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «المسکین» و هو مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) مِمَّا (حرف، جر، عامل، در اصل من + ما بوده است) مَا (اسم، موصول، معرفه به موصول / مجرور به حرف جر) لَا (حرف، منفی، غیر عامل) تَأْكُلُونَ (فعل، مضارع، للمخاطبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو»)

۵. لَا تَسْبُوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعِدَاةَ بَيْنَهُمْ. به مردم دشنام ندهید در این صورت در بین آنها دشمنی به دست می آورید

لا (حرف، نهی، عامل) تَسْبُوا (فعل، مضارع، للمخاطبین، مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») النَّاسَ (اسم، جمع، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) فَ (حرف، سببیه، غیر عامل) تَكْتَسِبُوا (فعل، مضارع منصوب، للمخاطبین، ثلاثی مزید در باب افعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») الْعِدَاةَ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مفعول) بَيْنَ (اسم / قید) هُمْ (اسم / ضمیر متصل للغائبین، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

۶. خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كَوْنُوا نَقَادَ الْكَلَامِ.

حق را از اهل باطل بگیرد و باطل را از اهل حق نگیرد سخن سنج باشید

خُذُوا (فعل) امر، للمخاطبين، مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» **الْحَقِّ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) **مِنْ** (حرف، جر، عامل) **أَهْلِ** (اسم جمع، مذکر، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **الْبَاطِلِ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **لَا** (حرف، نهی، عامل) **تَأْخُذُوا** (فعل، مضارع، للمخاطبين، مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» **الْبَاطِلِ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مفعول) **مِنْ** (حرف، جر، عامل) **أَهْلِ** (اسم جمع، مذکر، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **الْحَقِّ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **كُونُوا** (افعال ناقصه، امر، للمخاطبين، ثلاثی مجرد / اعال ناقصه و اسمه ضمیر بارز متصل «واو» **نَقَادَ** (اسم، جمع، مکسر، تکسیر، ومفرده «الناقد» وهو مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به اضافه / مفعول) **الْكَلَامِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

لِلتَّرْجَمَةِ : ترجمه کنید

لِ (حرف، جر، عامل) **لِلتَّرْجَمَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

جَلَسَ: نشست	جَلَسْنَا: نشستیم	لَا تَجْلِسُوا: ننشینید	اجْلِسْ: بنشینید
		الْجَالِسِ: نشسته	
أَجْلَسَ: نشانید	أَجْلَسَ: نشان	لَا تُجْلِسُ: نشان	سَيَجْلِسُ: خواهد نشانید
		لَمْ يَجْلِسُوا: نشانیدند	
عَلِمَ: دانست	قَدْ عَلِمْتَ: دانسته ای	لَمْ أَعْلَمْ: ندانستم	لَا يَعْلَمُ: نمی داند:
	إِعْلَمَ: بدان		
عَلَّمَ: یاد داد	قَدْ يُعَلِّمُ: گاهی یاد می دهد	لَنْ يُعَلِّمَ: یا نخواهد داد	
أَعْلَمُ: یاد می دهم	لِيُعَلِّمَ: باید یاد بدهد		
قَطَعَ: برید	قَطَعَ: بریده شد الْمَقْطُوعُ: بریده شده	لَا تَقْطَعُ: نبر	كَانَا يَقْطَعَانِ: می بریدند
انْقَطَعَ: بریده شد	مَا انْقَطَعَ: بریده نشد الانقطاع: بریده شدن	لَنْ يَنْقَطِعَ: بریده نخواهد شد	سَيَنْقَطِعُ: بریده خواهد شد
عَفَرَ: آمرزید	لَا يُعَفِّرُ: نمی آمرزد	الْعَفَّارُ: بسیار آمرزنده	قَدْ عَفَّرَ: آمرزیده است المعفور: آمرزیده شده
اسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	اسْتَعْفَرُ: آمرزش می خواهم	قَدْ اسْتَعْفَرْتُمْ: آمرزش خواسته اید	الاستغفار: آمرزش خواستن لَا يَسْتَعْفِرُونَ: آمرزش نمی خواهند

٦) اِقْرَأْ هَذِهِ الْأَنْشُودَةَ ثُمَّ تَرَجِمَهَا إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

این سرود را بخوان سپس آن ها را به فارسی ترجمه کن

اِقْرَأْ (فعل، امر للمخاطب، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **هَذِهِ** (اسم، اشاره، للقرب، مفرد، مذکر، معرفه به اشاره / مفعول) **الْأَنْشُودَةَ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / تابع اسم اشاره) **ثُمَّ** (حرف، عطف، غیر عامل) **تَرَجِمَ** (فعل، امر للمخاطب، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **هَا** (اسم / ضمیر متصل، للغائبه، معرفه به ضمیر / مفعول) **إِلَى** (حرف، جر، عامل) **الْفَارِسِيَّةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

يا إلهي يا إلهي يا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ اي خدای من ای خدای من ای برآمورنده دعاها
يا (حرف، ندا، غیر عامل) **إله** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / منادا) **ي** (اسم / ضمیر متصل، للمتکلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **يا** (حرف، ندا، غیر عامل) **إله** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / منادا) **ي** (اسم / ضمیر متصل، للمتکلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **يا** (حرف، ندا، غیر عامل) **مُجِيبَ** (اسم، مفرد مذکر، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به اضافه / منادا) **الدَّعَوَاتِ** (اسم، جمع، مؤنث سالم، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

اجعل اليوم سعيداً و كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ امروز را خوش اقبال و پر برکت قرار بده
اجعل (فعل، امر للمخاطب، ثلاثي مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **اليوم** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول اول) **سعيداً** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مفعول دوم) **و** (حرف، عطف، غیر عامل) **كثيراً** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مفعول دوم) **البركات** (اسم، جمع، مؤنث سالم، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

و اَمَلًا الصَّدرَ انشراحاً و قَمِي بِالْبَسْمَاتِ و سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخند ها پر کن
و (حرف عطف، غیر عامل) **املأ** (فعل، امر للمخاطب، ثلاثي مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **الصدر** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) **انشراحاً** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، نکره / مفعول) **و** (حرف عطف، غیر عامل) **قم** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / معطوف) **ي** (اسم / ضمیر متصل، للمتکلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **ب** (حرف، جر، عامل) **البسمات** (اسم، جمع، مؤنث سالم، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

وَأَعِنِّي فِي دَرُوسِي و أداء الواجباتِ در درس هایم و در انجام تکالیف مرا باری کن
و (حرف عطف، غیر عامل) **أعِن** (فعل، امر للمخاطب، ثلاثي مزيد در باب إفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **ن** (حرف، وقایه، غیر عامل) **ي** (اسم / ضمیر متصل، للمتکلم وحده، معرفه به ضمیر / مفعول) **في** (حرف جر، عامل) **دروس** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الدرس» و هو مذکر، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **ي** (اسم / ضمیر متصل، للمتکلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **و** (حرف عطف، غیر عامل) **أداء** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «ال» معرفه به اضافه / معطوف) **الواجبات** (اسم، جمع، مؤنث سالم، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

وَأَنْرِ عَقْلِي وَ قَلْبِي بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ عقل و قلبم را با دانش های سودمند نورانی کن

نکته: اگر اسمی جمع غیر انسان باشد به طور اندک می توان صفتش را به شکل جمع مؤنث سالم بیابیم

و(حرف عطف، غیر عامل) **أَنْتَ** (فعل، امر للمخاطب، ثلاثی مزیددر باب إفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه وفاعله ضمیر مستتر «انت») **عَقَل** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / مفعول) **ی** (اسم / ضمیر متصل، للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) و(حرف عطف، غیر عامل) **قَلْب** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / معطوف) **ی** (اسم / ضمیر متصل، للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **بِ** (حرف، جر، عامل) **الْعُلُومِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «العلم» و هو مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **النَّافِعَاتِ** (اسم، جمع، مؤنث سالم، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

وَأَجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي وَ نَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ وَمَوْقِفَتِي رَا بَهْرَه وَنَصِيبِ مِنْ دَر زَنْدَگِی قَرَار بَدَه
و(حرف، عطف، غیر عامل) **اجْعَلِ** (فعل، امر للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه وفاعله ضمیر مستتر «انت») **التَّوْفِيقِ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول اول) **حَظًّا** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / مفعول دوم) **ی** (اسم / ضمیر متصل، للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) و(حرف، عطف، غیر عامل) **نَصِيبِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / معطوف) **ی** (اسم / ضمیر متصل، للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **فِي** (حرف، جر، عامل) **الْحَيَاةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

وَأَمَلًا الدُّنْيَا سَلَامًا وَ شَامِلًا كُلَّ الْجِهَاتِ وَ دُنْيَا رَا اَز صِلْحِی فَرَاگِیر دَر هَمَه جَهت هَا پَر کَن
و(حرف عطف، غیر عامل) **املاً** (فعل، امر للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه وفاعله ضمیر مستتر «انت») **الدُّنْيَا** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم تفضیل، معرفه به «ال» / مفعول) **سَلَامًا** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مفعول) **شَامِلًا** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / صفت مفرد) **كُلَّ** (اسم جمع، مؤنث، معرفه به اضافه / مفعول یا قید) **الْجِهَاتِ** (اسم، جمع، مؤنث سالم، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

وَ أَحْمِنِي وَ أَحْمِ بِلَادِي مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ وَ مِنْ وَكْشُورِمْ رَا اَز پِيشَامدِهآی بَد نَگَه دَار
و(حرف عطف، غیر عامل) **أَحْمِ** (فعل، امر للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه وفاعله ضمیر مستتر «انت») **نَا** (حرف، وقایه، غیر عامل) **ی** (اسم / ضمیر متصل، للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر / مفعول) و(حرف عطف، غیر عامل) **أَحْمِ** (فعل، امر للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه وفاعله ضمیر مستتر «انت») **بِلَادِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر»، مفرده «البلد» و هو مذکر، معرفه به اضافه / مفعول) **ی** (اسم / ضمیر متصل، للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **مِنْ** (حرف، جر، عامل) **شُرُورِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «الشر» و هو مذکر، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **الْحَادِثَاتِ** (اسم، جمع، مؤنث سالم، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

کسانی که ایمان آورده اند و قلب هایشان با یاد الله آرام می گیرد آگاه باش فقط با یاد الله قلب ها آرام می گیرد

نکته: گاهی اوقات در باب **تَفَعَّل** در مضارع یکی از «ت» ها حذف می شود مانند **تَطْمَنُّ** // **تَنْزَلُ**

نکته: اگر بعد از جار و مجرور فعل بیاید **آن جار و مجرور** معنی **حصر** فقط دارد

﴿ **الَّذِينَ** (اسم ، موصول ، جمع ، مذکر، معرفه به موصول / خبر برای مبتدای حذف شده) **آمَنُوا** (فعل ، ماضی، للغائبین، ثلاثی مزید در باب إفعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») **وَ** (حرف ، عطف، غیر عامل) **تَطْمَنُّ** (فعل مضارع، للغائبه ، ثلاثی مزید باب تَفَعَّل، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «قلوب» از نوع اسم ظاهر) **قُلُوبُ** (جمع ، مکسر «تکسیر» ، ومفرد «القلب» وهو مذکر، معرفه به اضافه / فاعل از نوع اسم ظاهر) **هُمْ** (اسم / ضمیر متصل ، للغائبین ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **بِ** (حرف، جر ، عامل) **ذِكْرٍ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **اللَّهِ** (اسم ، مفرد ، مذکر، معرفه به علم / مضاف الیه) **أَلَا** (حرف ، تنبیه، غیر عامل) **بِ** (حرف، جر ، عامل) **ذِكْرٍ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **اللَّهِ** (اسم ، مفرد ، مذکر، معرفه به علم / مضاف الیه) **تَطْمَنُّ** (فعل مضارع، للغائبه ، ثلاثی مزید باب تَفَعَّل، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «قلوب» از نوع اسم ظاهر) **الْقُلُوبُ** (جمع ، مکسر «تکسیر» ، ومفرد «القلب» وهو مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) ﴿

ضَعُ فِي الْفُرَاقِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. در جای خالی کلمه ای مناسب بنویس.

ضَعُ (فعل ، امر ، مخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **فِي** (حرف، جر ، عامل) **الْفُرَاقِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **كَلِمَةً** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، نکره / مفعول) **مُنَاسِبَةً**. (اسم ، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه دوم، نکره / صفت مفرد)

۱. قال الأمامُ الحسنُ: **إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخَلْقُ الْحَسَنُ** امام حسن(ع) فرموده است: **بِی گمان** بهترین نیکی رفتار نیکو است **قال** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الامام» از نوع اسم ظاهر) **الأمامُ** (اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **الحسنُ** (اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **أحسن** (اسم ، مفرد، مذکر ، اسم تفضیل، معرفه به «اضافه» / اسم إن) **الحسن** (اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **الخلقُ** (اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به «ال» / خبر إن) **الحسنُ** (اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

سُئِلَ الْمُدِيرُ: أ فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ فَأَجَابَ: «لَا طَالِبَ هُنَا»

از مدیر پرسیده شد: آیا در مدرسه دانش آموزی وجود دارد پس پاسخ داد «هیچ دانش آموزی این جا نیست»

سُئِلَ (فعل ، ماضی ، ثلاثی مجرد، للغائب، متعدی، مجهول / جمله فعلیه و نائب فاعله «المدیر» **المدیر** (اسم ، مفرد، مذکر ، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «ال» / نائب فاعل از نوع اسم ظاهر) **أ** (حرف ، پرسشی، غیر عامل) **فِي** (حرف ، جر، عامل) **الْمَدْرَسَةِ** (اسم؛

مفرد، مؤنث، اسم مکان، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر - خیر مقدم از نوع جار و مجرور) **طالب** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / مبتدای مؤخر)؟ **ف** (حرف، عطف، غیر عامل) **أجاب** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب افعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **لا** (حرف، نفی جنس، عامل) **طالب** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / اسم «لا») **هنا** (اسم، اشاره مکانی للتقريب، معرفه به اسم اشاره / خبر «لا» از نوع شبه جمله)

حَضَرَ السَّيَّاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ؛ لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرْ

گردشگران در سالن فرودگاه حاضر شدند ولی راهنما حاضر نشد (نیامد)

حَضَرَ (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله السَّيَّاحُ) **السَّيَّاحُ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» مفرد «السائح» وهو مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» **فی** (حرف، جر، عامل) **قاعة** (اسم؛ مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **الْمَطَارِ** (اسم؛ مفرد، مؤنث، اسم مکان، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **لكن** (حرف، مشبهه بالفعل، عامل) **الدليل** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / اسم لکن) **لم** (حرف، جزم، عامل) **يَحْضُرُ** (فعل، مضارع، مجزوم، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو»)

نکته: برای پیدا کردن اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغة و اسم مکان و اسم تفضیل باید به مفردشان مراجعه کنیم

تَمَنَّى الْمُزَارِعُ: «لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا» کشاورز آرزو کرد: **کاش** باران، بسیار بیارد

تَمَنَّى (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب تفعّل، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله الْمُزَارِعُ اسم ظاهر) **الْمُزَارِعُ**: (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **لَيْتَ** (حرف، مشبهه بالفعل، عامل) **الْمَطَرُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / اسم لیت) **يَنْزِلُ** (فعل، مضارع، مرفوع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **كثيراً** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مفعول مطلق)!

لِمَاذَا يَبْكِي الطِّفْلُ؟ - لَأَنَّهُ جَائِعٌ. چرا کودک گریه می کند؟ زیرا او گرسنه است

ل (حرف، جر، عامل) **ماذا** (اسم پرسشی، نکره / مجرور به حرف جر) **يبكي** (فعل، مضارع، مرفوع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله الطِّفْلُ «از نوع اسم ظاهر) **الطِّفْلُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر)؟ - **ل** (حرف، جر، عامل) **أن** (حرف، مشبهه بالفعل، عامل) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / اسم **أن**) **جائع** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / خبر **أن** از نوع مفرد)

أَكْمَلُ تَرْجَمَةَ هَذَا النَّصِّ؛ ثُمَّ أَكْتُبُ الْمَحَلَّ الْأَعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ.

ترجمه این متن را کامل کن سپس محل اعراب (نقش) کلماتی که در زیر آن ها خطی وجود دارد بنویس

أَكْمَلُ (فعل ، امر ، مخاطب، ثلاثی مزید در باب افعال، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **تَرْجَمَةَ** (اسم؛ مفرد ، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مفعول) **هَذَا** (اسم ، اشاره للقریب، مفرد ، مذکر، معرفه به اسم اشاره / مضاف الیه) **النَّصِّ** (اسم ، مفرد، مذکر ، گروه معرفه به «ال» / تابع اسم اشاره) **ثُمَّ** (حرف ، عطف، غیر عامل) **اَكْتُبِ** (فعل ، امر ، مخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **الْمَحَلَّ** (اسم؛ مفرد ، مذکر، اسم مکان، معرفه به «ال» / مفعول) **الأعرابیَّ** (اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **لِ** (حرف ، جر ، عامل) **لُكَلِمَاتٍ** (اسم ، جمع ، مؤنث سالم، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **الَّتِي** (اسم ، موصول ، مفرد مؤنث، معرفه به موصول / صفت مفرد) **تَحْتَ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / قید - خبر مقدم از نوع شبه جمله) **ها** (اسم / ضمیر متصل للغائبه ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **خَطُّ** (اسم ، مفرد ، مذکر، نکره / مبتدای مؤخر)

حين يرى «الطائر الذكي» حيواناً مفترساً قرب عشه، «پرندۀ باهوش» هنگامی که جانور درنده ای را نزدیکِ لانه اش می بیند،

حين (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / قید) **يرى** (فعل، مضارع، مرفوع، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الطائر» از نوع اسم ظاهر) **الطائر** (اسم ، مفرد، مذکر ، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **الذكي** (اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **حيواناً** (اسم ، مفرد، مذکر ، گروه اول، نکره / مفعول) **مفترساً** (اسم ، مفرد، مذکر ، اسم فاعل گروه دوم، نکره / صفت مفرد) **قرب** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / قید) **عش** (اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به اضافه / مضاف الیه) **ه** (اسم / ضمیر متصل للغائب ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)

يتظاهر أمامه بأن جناحه مكسورٌ روبه رویش وانمود می کند که بالش شکسته شده است،

يتظاهر (فعل، مضارع، مرفوع، للغائب، ثلاثی مزید در باب تفاعل، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **أمام** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / قید) **ه** (اسم / ضمیر متصل للغائب ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **ب** (حرف ، جر ، عامل) **أن** (حرف ، مشبهة بالفعل، عامل) **جناح** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / اسم أن) **ه** (اسم / ضمیر متصل للغائب ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **مكسورٌ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم مفعول گروه اول، نکره / خبر أن از نوع مفرد)

فيتبع الحيوان المفترس هذه الفريسة، ويتعد عن العش كثيراً.

در نتیجه جانور درنده این شکار را تعقیب می کند و از لانه بسیار دور می شود

ف (حرف ، عطف ، غیر عامل) **يتبع** (فعل، مضارع، مرفوع، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله الحيوان از نوع اسم ظاهر) **الحيوان** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **المفترس** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه

دوم معرفه به «ال» / صفت مفرد) **هذه** (اسم ، اشاره للقریب، مفرد ، مؤنث، معرفه به اسم اشاره / مفعول) **الفریسة** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / تابع اسم اشاره، و (حرف ، عطف ، غیر عامل) **یبتعد** (فعل، مضارع، مرفوع، للغائب، ثلاثی مزید در باب إفتعال، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **عن** (حرف ، جر، عامل) **العش** (اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **کثیراً**. (اسم ، مفرد ، مذکر، نکره / مفعول مطلق)!

وَعِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَابْتِعَادِهِ وَانْتِقَازِ حَيَاةِ فِرَاحِهِ، يَطِيرُ بَغْتَةً.

و وقتی که این پرنده از فریب دشمن و دور شدنش و نجات زندگی جوجه هایش مطمئن می شود، ناگهان پرواز می کند.

و (حرف ، عطف غیر عامل) **عندما** (اسم / قید) **يتأكد** (فعل، مضارع، مرفوع، للغائب، ثلاثی مزید در باب تفعّل، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الطائر» از نوع اسم ظاهر) **الطائر** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **من** (حرف ، جر، عامل) **خداع** (اسم / مصدر باب مفاعلة ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **العدو** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف الیه) و (حرف ، عطف غیر عامل) **ابتعاد** (اسم / مصدر ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / معطوف) ه (اسم / ضمیر متصل للغائب ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) و (حرف ، عطف غیر عامل) **انتقاز** (اسم / مصدر ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / معطوف) **حياة** (اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به اضافه / مضاف الیه) **فراخ** (اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» و مفرد «الفراخ» و هو مذکر / مضاف الیه) ه (اسم / ضمیر متصل للغائب ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)، **يطير** (فعل، مضارع، مرفوع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **بغتة**. (اسم ، مفرد ، مؤنث، نکره / قید)

ابْحَثْ عَنْ وَصِيَّةِ أَحَدِ شُهَدَاءِ الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ أَوْ ذِكْرِيَاتِهِ أَوْ أَقْوَالِهِ أَوْ أَعْمَالِهِ، ثُمَّ اكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ، أَوْ ضَعْهَا فِي مَدْوَنَتِكَ أَوْ مَدْوَنَةِ مَدْرَسَتِكَ.

در مورد وصیت یکی از شهیدان جنگ تحمیلی یا خاطراتش یا سخنانش یا کار هایش جست جو کن سپس آن ها را در یک روزنامه دیواری بنویس یا در وبلاگت یا در سایت مدرسه ات قرار بده

ابحث (فعل ، امر للمخاطب ، ثلاثی مجرد، لازم ، معلوم، / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **عن** (حرف ، جر، عامل) **وصية** (اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **أحد** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معنه به اضافه / مضاف الیه) **شهداء** (اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» مفرد «الشهيد» و هو مذکر، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) **الحرب** (اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **المفروضة** (اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **أو** (حرف ، عطف غیر عامل) **ذكريات** (اسم ، جمع ، مؤنث ، سالم ، معرفه به اضافه / معطوف) ه (اسم / ضمیر متصل للغائب ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)، **أو** (حرف ، عطف غیر

عامل) **أَقْوَالٍ** (اسم ، جمع ، مكسر «تكسير» مفردة «القول» وهو مذكر، معرفه به «اضافه» / معطوف)ه (اسم / ضمير متصل للغائب ، معرفه به ضمير / مضاف اليه)، **أَوْ** (حرف ، عطف غير عامل) **أَعْمَالٍ** (اسم ، جمع ، مكسر «تكسير» مفردة «العمل» وهو مذكر، معرفه به «اضافه» / معطوف)ه، (اسم / ضمير متصل للغائب ، معرفه به ضمير / مضاف اليه)، **ثُمَّ** (حرف ، عطف غير عامل) **اكتَبَ** (فعل ، امر للمخاطب ، ثلاثي مجرد، متعدى ، معلوم، / جمله فعلية وفاعله ضمير مستتر «انت») **ها**، (اسم / ضمير متصل للغائبة ، معرفه به ضمير / مفعول) **في** (حرف ، جر، عامل) **صَحِيفَةً** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، نكرة / مجرور به حرف جر) **جِدَارِيَّةً**، (اسم ، مفرد ، مؤنث ، نكرة / صفت مفرد) **أَوْ** (حرف ، عطف غير عامل) **ضَعَّ** (فعل ، امر للمخاطب ، ثلاثي مجرد، متعدى ، معلوم، / جمله فعلية وفاعله ضمير مستتر «انت») **ها**، (اسم / ضمير متصل للغائبة ، معرفه به ضمير / مفعول) **في** (حرف ، جر، عامل) **مُدَوَّنَةً** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، اسم مفعول گروه دوم ، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **كَ** (اسم / ضمير متصل للمخاطب، معرفه به ضمير / مضاف اليه) **أَوْ** (حرف ، عطف غير عامل) **مُدَوَّنَةً** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، اسم مفعول گروه دوم ، معرفه به اضافه / معطوف) **مَدْرَسَةً** (اسم ، مفرد ، مؤنث، اسم مكان، معرفه به اضافه / معطوف) **كَ** (اسم / ضمير متصل للمخاطب، معرفه به ضمير / مضاف اليه)

موسسه تخصصی
تربیتی
سلیمانی